

نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال دهم
اول مهرماه ۷۲ - شماره ۱۰۰

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

مهمترین تحول

در تاریخ معاصر خاورمیانه

دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۷۲ برابر با ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ یک رویداد عظیم بوقوع می‌پیوندد که بسیاری آنرا بسا فروریختن دیوار برلین مقایسه می‌کنند. با سرعفات و اسحاق رابین در حالیکه در دوطرف بیل کلینتون ایستاده‌اند. دستان یکدیگر را می‌فشارند. میلیونها نفر از مرد جهان این رویداد را در صفحه تلویزیون خود مشاهده کردند. رویدادی که مسلمانان غیرتواریک خود مشاهده خاورمیانه بوجود خواهد آورد. صلح بین سازمان آزادی بخش فلسطین و دولت اسرائیل غیر مترقبه و سرعت صورت گرفت. دو سال قبل که مذاکرات اعراب و اسرائیل در مادرید آغاز شد، هیچکس فکر نمی‌کرد که با جنسیسن سرعتی بین فلسطینی‌ها و اسرائیل صلح برقرار شود. خوشبین ترین مفسرین معتقد بودند که این صلح در مرحله اول با بعضی کشورهای عربی صورت خواهد گرفت و صلح بین اسرائیل و فلسطینی‌ها و بویژه بین اسرائیل و ساف در مرحله بعدی صورت خواهد گرفت. ولسی در روز ۷ شهریور امسال یک خبر غیر مترقبه در جهان پخش می‌شود. ساف و اسرائیل مذاکرات محرمانه‌ای در نروژ پیش برده و به توافق رسیده‌اند. توافق بیسیسن ساف و اسرائیل بر سر خود مختاری در نروژ غزه و شپساری در ساحل غربی رود اردن صورت گرفته و قرار است بمسحت سه سال بر سر بقیه اراضی اشغالی و بویژه سر نوشت در صفحه ۸

"مارکسیسم، سیاست، اخلاق"

نوشته استفان مسزاروس

منبع: پانزلی رویو

استقبال و تبریکات

آقای رجوی به مناسبت توافق واشنگتن

صفحه ۱۱

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی

■ سوکمیسیون منع تبعیض ملل متحد رژیم ضد بشری خمینی را محکوم کرد.
■ ۱۵ سازمان بین المللی بیانیه مشترکی در محکومیت ایران انتشار دادند.
■ فدراسیون بین المللی حقوق بشر مرکز اروپا، جهان سوم، انجمن بین المللی حقوقدانان، بنیاد فنانس برای عدالت و آزادی به ریاست خانم میتران از طریق نامندگان خود در این اجلاس علیه رژیم ضد بشری خمینی موضعگیری نمودند.
صفحه ۵

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت درباره اجلاس هفت روزه شورا

■ اجلاس شورای ملی مقاومت از اول تا هفتم شهریور ماه ۷۲ در تار بهارستان در یکی از پایگاههای مقاومت ایران برگزار شد.
■ در این اجلاس کمیسیون های جدیدی ایجاد شد و شمار کمیسیون های شورای ملی مقاومت به هیجده رسید.
■ شورای ملی مقاومت ایران در جلسه ۷ شهریور ۷۲، پیشنهاد آقای مسعود رجوی مسئول شورای راه شرح زیر تصویب کرد:

۱- علامت شیرو خورشید آرم رسمی شورای ملی مقاومت ایران خواهد بود.

۲- پرچم ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ، که تاکنون در تمام مراسم رسمی و جلسات شورا برافراشته بوده و ارتش آزادیبخش ملی ایران در تمام نبردهای خود علیه حاکمیت غاصب و بیدادگر خمینی آن را به عنوان نشانه حاکمیت ملی با خود حمل و از آن نگهبانی کرده است به علامت شیرو خورشید مزین خواهد شد.
۳- در این جلسه، با عضوگیری اعضای جدید، تعداد اعضای شورای ملی مقاومت به ۲۲۵ عضو رسید.
صفحه ۲

صدمین شماره نبرد خلق

اساساً خبری نیست و آنانی که نتوانستند به مقاومت بپیوندند یا مضمحل شدند یا جبهه سازش و تسلیم را انتخاب کردند تا بتوانند به حیات خفت بار خود ادامه دهند. اکنون که ماه جمعیادی این سال می‌نشینیم، حیات رشدیابنده خود را مدیون پایداری در مواضع اصولی و پرهیز از لغزش های اساسی و جلوگیری از رشد بیماری بی پرستی و رنگ زنگ زدن می‌دانیم. ماتحت هیچگونه فشاری تن به رنگ عوض کردن و از این شاخه به آن شاخه پریدن ندانیم و در کلی ترین و اساسی ترین خطوط و بر سر اساسی ترین وظایف و میرم ترین تکالیف، استوار و پابرجا در مواضع خود دفاع نمودیم و اکنون بسا انتشار صدمین شماره نبرد خلق و در شرایطی که جنبش مقاومت انقلابی هر روز رشدیابنده تر از روز قبل به پیش صفحه ۱۰

۹ سال قبل، درگیر و در یک مبارزه سیاسی حاد بیسن جریانات مدعی کمونیسم، نبرد خلق دوره چهارم انتشار خود را آغاز نمود. نبرد خلق در شماره اول خود اعلام نمود که یک نشریه سیاسی - تبلیغی است. افشا، سیاستهای رژیم آخوندی و تشریح مواضع سازمان ما و مقابله و مست انقلابی و وظیفه اصلی این نشریه اعلام شد. نبرد خلق با دفاع از برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پرچم مبارزه سیاسی علیه گرایشات انحرافی در جنبش کمونیستی ایران را برافراشت و تا آنجا که در توان داشت و امکانات آن اجازه می‌داد، به افشاء دارو - دسته های منحط و بی پرستی که نام فدایی علیه جریان پیشناز فدایی فعالیت می‌کردند پرداخت. امروز پس از ۹ سال از انتشار نبرد خلق، از بسیاری از آن مدعیان

شورش خاموش

تر صفحه ۹

دراوت اسما، لوجولیسر یکی از شخمیست های برجسته جنبش کمونیستی ایتالیا و از بنیانگذاران حزب کمونیست ایتالیا، درگذشت. وی یکی از کسانی بود که از مبارزه و مقاومت عادلانه مردم ایران حمایت می‌کرد. بمناسبت درگذشت این مبارز خستگی ناپذیر از طرف سازمان مادر ایتالیا، رفیق مهرداد قسادی تلگراف تسلیتی برای رئیس و مسئول امور خارجی حزب ارسال نمود.

در این شماره:

- شهدای فدایی در همراه
- برخی رویدادهای تاریخی
- عملیات تروریستی برون مرزی رژیم
- تروریسم را زانفر، شاهد خمینی، محمقادی بخت عوامل رژیم
- پیام رفیق مهدی صامع به حزب احیاء کمونیستی ایتالیا و پاسخ آن از طرف این حزب

اطلاعیه

دبیرخانه شورای ملی مقاومت

اجلاس شورای ملی مقاومت از اول تا هفتم شهریور ماه ۱۳۷۲ در تالار بهارستان در یکی از پایگاه‌های مقاومت ایران برگزار شد. در آغاز اجلاس، به یاد شهید سرفراز مقاومت، محمدحسین نقدی، یک دقیقه سکوت اعلام شد و پس از آن مسئول شورای تجلیل از نقدی شهید و سایر شهیدان شورا خطابیهی ایراد کرد. سپس شورا وارد دستور خود در ابتدا گزارش مشروح مسئول شورا پیرامون وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشور، وضعیت رژیم و تحولات داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی و هم چنین گزارش پیشرفت‌های همه‌جانبه مقاومت در عرصه‌های سیاسی و نظامی و اجتماعی را در فاصله دو اجلاس شورا استماع نمود. آنگاه شورا به بحث و شور و نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری درباره موضوعات مختلف پرداخت.

۱- در مورد وضع اقتصادی - اجتماعی کشور، شورا، پس از تبادل نظر و بررسی اطلاعات تازه، به این نتیجه رسید که ورشکستگی رژیم و خرابتر شدن وضع زندگی مردم، تضاد بین حاکمیت و مردم را به نحو چشمگیری افزایش داده، تضادهای درونی حاکمیت را در با لاوریش نیروهای رژیم را در پایین‌شدن تشدید کرده و رژیم را به بالا بردن مرجه بیشتر درجه سرکوب و اختناق واداشته است. تحریم انتخابات ریاست جمهوری رژیم از طرف اکثریت هم میهنان، انزوای حاکمیت آخوندی را به طور عام و بطلان ادعاهای رفسنجانی را مبنی بر توانایی استخاله رژیم در زمینه اقتصادی به طور خاص، به نحوی کسامل روشن و آشکار به نمایش گذاشت. با شکست مسانور رفسنجانی، رژیم و ولایت فقیه در برابر فشارهای درونی و بیرونی سست‌تری شود و صورت طبیعی و عملکردهای ضروری و ذاتی خود را که با سرکوب همه‌جانبه و صدور تروریسم و ارتجاع مشخص می‌شود، بطور عریان و آشکار به نمایش می‌گذارد. اقدامات سیاسی و عملیات نظامی مقاومت عرصه را برای رژیم ضدانسانی به نایت تنگ نموده است و سردمداران رژیم در خفا و آشکار از عساکان می‌کنند که سرچشمه سیاسی ناکام می‌هایشان همیسن مقاومت است. از این روبر حملات نظامی و سیاسی و تبلیغاتی خود علیه شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش شدیداً افزوده‌اند.

۲- در ارزیابی از وضع رژیم و مقاومت در پهنه بین‌المللی، شورا، پس از استماع گزارش نمایندگان مقاومت در کشورهای مختلف، بر صحت تحلیل خود در اجلاس پیشین، مبنی بر تحول اوضاع به سود مقاومت و به زبان رژیم، تا کم کرد. شورا در جمع بندی خود نتیجه گرفت که در فاصله دو اجلاس شورا، انزوای رژیم در عرصه بین‌المللی افزایش یافته و جنبه گیری علیه رژیم از سوی کشورهای مختلف آغاز شده است. از سوی دیگر منزلت و مرتبه مقاومت ایران در سطح جهانی ارتقا یافته و بسیاری از موانع بین‌المللی از سر راه جنبش مقاومت مسلحانه ماکنارفته است. هم چنین مجموعه این تحولات داخلی و بین‌المللی، بخشهایی از دشمنان مقاومت را به انفعال کشانده است. به نظر شورا پیکار سیاسی - دیپلماتیک گسترده و شدیدی بیسمن مقاومت ایران و رژیم در عرصه بین‌المللی در چشم انداز

مرحله بعدی قرارداد.

۳- در این اجلاس عضویت آقایان علاءالدین توران (نماینده شورا در اردن)، محسن نادری شیبتری (نماینده شورا در ایتالیا)، محمد جواد دبیران (نماینده شورا در آلمان) و کمال رضایی (نماینده شورا در هلند) در شورای ملی مقاومت مطرح شد و به اتفاق آراء، به تصویب رسید.

بر حسب مصوبه ۲۴ مهر ۱۳۷۰ شورا درباره نمایندگی‌های دایمی، عضویت این آقایان در سازمان متبوع خود (سازمان مجاهدین خلق ایران) به حالت تعلیق در آمد. مصوبه شورا درباره نمایندگان دایمی مقرر می‌دارد که نمایندگان باید به عضویت شورا در آمد و در صورت عضویتشان در شورا، اگر عضو یکی از گروه‌های داخلی شورا باشند، عضویت آنها در آن گروه با سازمان به حالت تعلیق در می‌آید اما ادامه رابطه با گروه با سازمان مربوطه بلامانع است.

۴- در خواسته‌های عضویت باقیمانده از اجلاس پیشین شورا یک به یک مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تعداد اعضای شورا بر طبق مصوبه ۲۹ آذر ۱۳۷۱ به یک صد و پنجاه عضو بالغ گردید. سپس شورا رسیدگی به تقاضاهای جدید عضویت را طبق اساسنامه در دستور کار خود قرار داد و عضویت ۸۵ تن از متقاضیان پیش از بحث و بررسی تصویب گردید. به این ترتیب تعداد کل اعضای شورا به ۲۳۵ عضو رسید. اسامی اعضای جدید شورا کسبه عضویتشان در این اجلاس مورد تصویب قرار گرفت، سه پیوست به اطلاع هم میهنان می‌رسد.

۵- با افزایش تعداد اعضا، شورا تصمیم گرفت که فعالیت هایش را در زمینه‌های گوناگون تخصصی گسترش دهد. از این رو، پس از بحث و تبادل نظر مفصل، کمیسیون‌های جدیدی ایجاد شد و شمار کمیسیون‌های شورای ملی مقاومت به هیجده رسید. فهرست کمیسیون‌ها و مسئولان آنها به قرار زیر است:

- * کمیسیون آموزش و پرورش - خانم فرشته یگانه
- * کمیسیون اقتصاد - آقای مهندس محمود عضدانلو
- * کمیسیون امنیت و ضد تروریسم - آقای مهندس ابراهیم ذاکری
- * کمیسیون امور ملیت‌ها - آقای محمدرضا روحانی
- * کمیسیون بهداشت و درمان - آقای دکتر صالح رجوی
- * کمیسیون تبلیغات - خانم زهرا مریخی
- * کمیسیون خارجه - آقای محمدسیدالمحدثین
- * کمیسیون دانشگاه‌ها - آقای دکتر محمد شیخی
- * کمیسیون زنان - خانم مریم متین دفتری
- * کمیسیون صلح - آقای مهندس مهدی ابریشم چی
- * کمیسیون صنایع - آقای مهندس مهدی سامع
- * کمیسیون علوم و پژوهش - آقای پروتسور هسنادی مهابادی
- * کمیسیون فرهنگ و هنر - آقای منوچهر هزارخانی
- * کمیسیون قضایی و حقوق بشر - آقای هدایت متین دفتری
- * کمیسیون کار - آقای عباس داوری
- * کمیسیون محیط زیست - آقای دکتر کریم قمی

* کمیسیون مذاهب و آزادی ادیان - استاد جلال گنج‌های
* کمیسیون ورزش - پهلوان مسلم اسکندر فیلابی

۶- در این اجلاس پیشنهاد مسئول شورا در مورد تعیین شیرو خورشید به عنوان آرم رسمی شورا مورد بحث قرار گرفت و به اتفاق آراء، به تصویب رسید. متن مصوبه شورا در این باره به شرح زیر است:

"نظریه این که خورشید سوار بر شیر از دوران باستان مظهر نگاهبانی ایران زمین بوده و در طول تاریخ به عنوان آرم ایرانیان به کار رفته است.

نظریه این که در انقلاب مشروطیت نیز این علامت به عنوان حافظ آزادی و استقلال ایران بر سر در مجلس شورای ملی نصب شده است،

نظریه این که پرچم سه رنگ ایران: سبز و سفید و سرخ میراث انقلاب مشروطیت است و به عنوان خونی‌های شهیدان راه آزادی مورد احترام همه ایرانیان می‌باشد، نظریه این که نگاهبانی میراث فرهنگی و معاشی ملی و احترام به سنت‌های تاریخی از اهم نکات سلف شورای ملی مقاومت ایران می‌باشد.

شورای ملی مقاومت ایران در جلسه ۷ شهریور ۱۳۷۲، پیشنهاد آقای محمود رجوی مسئول شورا را به شرح زیر تصویب کرد:

۱- علامت شیرو خورشید آرم رسمی شورای ملی مقاومت ایران خواهد بود.

۲- پرچم ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ، که تا کنون در تمام مراسم رسمی و جلسات شورا برافراشته بوده و ارتش آزادیبخش ملی ایران در تمام نبردهای خود علیه حاکمیت غاصب و سیداکر خمسی آن را به عنوان نشانه حاکمیت ملی با خود حمل و آن نگاهبانی کرده است به علامت شیرو خورشید مرس خواهد شد.

اجلاس شورا، با اجرای سرود "ای ایران ای مرزبیر کهر" - که سرود رسمی شورا است و از ده سال پیش تا کنون، طبق بخشنامه مسئول شورا به نماندگسهای مختلف، در تمام جلسات و مراسم رسمی شورای ملی مقاومت نواخته می‌شود - به پایان رسید.

سایر اقدامات و تصمیم‌گیری‌های شورای ملی مقاومت ایران در این اجلاس، در موقع مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسید.

اعضای شورای ملی مقاومت پس از پایان اجلاس به هفت روزه، در مانور جنگی چندبگانه ارتش آزادیبخش ملی بنام "غرش شیر" که با حضور رئیس ستاد ارتش آزادیبخش و شماری از اعضای ستاد فرماندهی در مجاورت مرزهای میهن انجام شد، شرکت کردند. در این مانور که با مهمات حقیقی صورت گرفت و ساعتها به طول انجامید خبرنگاران رسانه‌های بین‌المللی حضور داشتند. مانور "غرش شیر" که با موفقیت کامل به اتمام رسید بیش از پیش مبین آمادگی و رزم‌آوری فرزندان رشید ایران زمین در ارتش آزادیبخش ملی و جزمیت سرنگونی رژیم ضدانسانی و فداکاری خیمینی و نویدبخش پیروزی تنها جایگزین دموکراتیک و مردمی و استقرار آزادی و حاکمیت ملی است.

اعضای شورای ملی مقاومت روز بعد نیز از قرارگاه سردار خیابانی و یکی از مراکز پذیرش رزمندگان تازه وارد به ارتش آزادیبخش، بازدید کردند و مبارز مندگانی

اطلاعیهٔ دبیر خانهٔ شورای ملی مقاومت دربارهٔ اجلاس هفت روزهٔ شورا

- ۵۲ - **کمال رضایی** - نماینده شورا در هلند
 ۵۳ - **فاطمه رضایی** - مدیریت آمار و کامپیوتر ارتش
 آزادیبخش
 ۵۴ - **هادی روشن روان** - مهندس مونتاز ماشین آلات سنگین در کارخانه ذوب آهن اصفهان - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از همدان - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۵۵ - **افسانه زهری** - از معاونت آموزش و رشته‌های تخصصی ارتش آزادیبخش
 ۵۶ - **عبدالصمد حاجیان** - فوق لیسانس مهندسی مکانیک - از مدیران صنایع وابسته به بنیاد مستضعفان در ابتدای انقلاب ضدسلطنتی - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۵۷ - **سید محمود سادات دربند** - از معاونت پرسنلی ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زمان شاه
 ۵۸ - **حشمت سیری** - از شورای رهبری مجاهدین
 ۵۹ - **حکیمه سعادت نژاد** - از فرماندهان ارتش آزادی بخش - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
 ۶۰ - **شمس الحاجیه سعادت** - از معاونت عملیات ارتش آزادیبخش
 ۶۱ - **محمدظاهر سعیدی** - آسپستان پیشین دانشگاه هوانوردی فلوریدا
 ۶۲ - **حسین سعیدیان** - دکترای کامپیوتر، استاد دانشگاه نبراسکا در آمریکا
 ۶۳ - **نیره سلطانی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
 ۶۴ - **محسن سیاهکلا** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۶۵ - **حوریه سیدی** - مدیریت توپخانه ارتش آزادیبخش
 ۶۶ - **محمد سیدی کاشانی** - فوق لیسانس گاز و روانشناسی - کارشناس توسعه و تحقیقات شرکت ملی نفت ایران - کاندیدای مجاهدین در انتخابات شورای ملی از تهران - زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زمان شاه
 ۶۷ - **عباس شاکری** - جراح و متخصص اورولوژی
 ۶۸ - **پروین شاه محمدیان** - فوق لیسانس ژنتیک
 ۶۹ - **صحبیه شاهرخی امیری** - فوق لیسانس روانشناسی
 ۷۰ - **اصغر شریفی** - مهندس نفت - رئیس اداره بررسی و همکاریهای مطبوعاتی وزارت ارشاد در ابتدای انقلاب ضدسلطنتی - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۷۱ - **ایرج شکری** - خبرنگار سیاسی رادیو تلویزیونی، دبیر سندیکای کارکنان خبر رادیو - تلویزیونی پس از انقلاب ضدسلطنتی
 ۷۲ - **ثریا شهری** - از شورای رهبری مجاهدین
 ۷۳ - **مهناز شهنازی** - مدیریت اردنسان ارتش آزادیبخش
 ۷۴ - **سعیده صبوری** - از معاونت امور اداری ارتش آزادیبخش
 ۷۵ - **مهناز صمدی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
 ۷۶ - **عباس منوچهری** - از معاونت آموزش و رشته‌های تخصصی ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه

- روابط خارجی ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۲۵ - **معصومه پیرهادی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش
 ۲۶ - **علی محمدتشدید** - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از تهران - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۲۷ - **علاءالدین توران** - دکترای مکانیک - نماینده شورا در اردن
 ۲۸ - **زهرا توکلی** - مدیریت آمار و تریبوری ارتش آزادیبخش
 ۲۹ - **زهرا تیغکچی** - از معاونت امور اداری ارتش آزادیبخش
 ۳۰ - **عبدالله جعفرزاده** - فوق لیسانس مهندسی مکانیک - دبیر دبیرستانهای تهران و نویسرکان - قهرمان کشتی دانشگاه تهران - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۳۱ - **سعید جمشیدی** - متخصص جراحی مغز و اعصاب - استادن دانشگاه جورج واشنگتن
 ۳۲ - **هایده حجتی** - از مسئولان ستاد تبلیغات مجاهدین - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۳۳ - **غفت حداد** - مدیریت تهیه و خرید ارتش آزادیبخش
 ۳۴ - **احمد حسین تاش شیرازی** - مدیریت مهندسی و تأسیسات ارتش آزادیبخش
 ۳۵ - **مسعود خدابخنده** - فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
 ۳۶ - **علی خدایی صفت** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۳۷ - **قاسم خرازیان** - لیسانس جامعه شناسی - از مدیریت مخابرات ارتش آزادیبخش
 ۳۸ - **فاطمه خردمند** - از معاونت عملیات ارتش آزادی بخش
 ۳۹ - **زیبا خرسندی آشتیانی** - مسئول سیمای مقاومت
 ۴۰ - **لمیخا خیاپانی** - از معاونت امور اداری ارتش آزادیبخش
 ۴۱ - **فاخره خیاط حماری** - از اعضای ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور
 ۴۲ - **حسین دادخواه** - از فرماندهان پشتیبانی رزمی ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در رژیمهای شاه و خمینی
 ۴۳ - **حسین داعی الاسلام** - از معاونت آموزش و رشته‌های تخصصی ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۴۵ - **محمد جواد دهبیران** - نماینده شورا در آلمان
 ۴۶ - **زینب فیمیحی** - از مدیریت اردنسان ارتش آزادیبخش
 ۴۷ - **حسین ربوبی** - از اعضای ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۴۸ - **زهرا رجایی** - از شورای رهبری مجاهدین
 ۴۹ - **احمد رجوی** - متخصص جراح ارتوپد
 ۵۰ - **آزاده رضایی** - از اعضای ستاد فرماندهی ارتش آزادیبخش
 ۵۱ - **فاطمه رضایی** - لیسانس روانشناسی - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از تهران - زندانی سیاسی در زمان شاه

که به تازگی از داخل کشور آمده بودند به تفصیل به گفتگو پرداختند. گزارشها و ارزیابیهای این رزمندگان حاکی از موج گسترده حمایت عمومی از مقاومت و استقبال فزاینده جوانان مبارز میهن از ارتش آزادی بخش بود.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۰ شهریور ۱۳۷۲

اسامی اعضای جدید

- ۱ - **فاطمه آدرسی** - مسئول جامعه زنان و امور بهزیستی کودکان و عضو شورای تأمین استان لرستان در ابتستدای انقلاب ضدسلطنتی
 ۲ - **محمد ابراهیم آل اسحاق** - سردبیر نشریه مجاهد - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۳ - **حسین ابریشمی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۴ - **محمود احمدی** - فوق لیسانس مهندسی ساختمان - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از تهران - از مسئولان سیاسی مجاهدین - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۵ - **حمیدرضا اسحاقی** - دکترای حقوق جزا و جرم شناسی - **عمید اسدیان** - نویسنده و شاعر - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۷ - **مرتضی اسماعیلیان** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۸ - **سپهر افشار** - از مسئولان ستاد تبلیغات مجاهدین
 ۹ - **حمید اقوامی** - استادن انکسکه کنگره دانشگاه لندن، پروفیسور ارتباطات ماهواره‌ای و صاحب تئوریها و انکشافات جدید در این رشته
 ۱۰ - **غره ادالفت** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۱۱ - **طاهر اتوری** - فوق لیسانس مهندسی کشاورزی
 ۱۲ - **سیدالهدی اوسطی** - تاجر جای، ارکانون توحیدی اصناف - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۱۳ - **کامیار ایزدینپناه** - هنرمند و استاد موسیقی
 ۱۴ - **نغمه بادامچی** - دکتر طب - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
 ۱۵ - **عبدالرضا باقرزاده** - از صاحبان صنایع مرغداری، مدیر عامل و عضو هیات مدیره شرکتهای مرغ، ریسف، چیه، تکلم و زربال - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۱۶ - **فاطمه بجمی زانگان** - مسئول طرح و برنامه در آموزشهای ارتش آزادیبخش
 ۱۷ - **جوادی رایشی** - فوق لیسانس مهندسی مکانیک - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از شیراز - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۱۸ - **محمد جواد امرومند** - فوق لیسانس مهندسی ساختمان - زندانی سیاسی در زمان شاه
 ۱۹ - **زهره بنی جمالی** - از شورای رهبری مجاهدین
 ۲۰ - **محمود بنی هاشمی** - سرگرد ارتش - فرمانده مهندسی لشکر ۱۶ رومیه در ابتدای انقلاب ضدسلطنتی
 ۲۱ - **ماندانا بیدرننگ** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش
 ۲۲ - **غریب پاریان** - از شورای رهبری مجاهدین
 ۲۳ - **هاله پور کرمانتی** - از مسئولان روابط بین المللی مجاهدین
 ۲۴ - **اصغر پوریامقرد** - لیسانس فیزیک - از مسئولان

اطلاعیه‌دیر خانه

- ۲۷- **حمیدطاعتی امیل** - از مسئولان ستاد تبلیغات مجاهدین
- ۲۸- **امیرعوفی طاعتی** - مهندس الکترونیک - نماینده سابق شورادر آمریکا - از عشایر عرب خوزستان
- ۲۹- **مجتبی طایفه حمینلو** - آرشیست و مهندسین ساختمان، متخصص دکوراسیون
- ۳۰- **تقی طباطبائی آرائی** - دکترای مهندسی صنایع - استادیپشین دانشگاه ماساچوست ودانشگاه ایالتی نیویورک در بوفالو
- ۳۱- **احمد طباطبائی** - فوق لیسانس مکانیک از فرماندهان پدافند ارتش آزادیبخش
- ۳۲- **محمدطریقت** - مهندس برق - مدیرفنی کارخانه قندو تصفیه شکر اهواز، رئیس کارخانه قند زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۳۳- **سهیلا طریقی** - مدیریت پزشکی ارتش آزادیبخش
- ۳۴- **زیلا طلوع** - مدیریت مخابرات ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
- ۳۵- **فاطمه طهوری** - مدیریت مهندسی رزمی ارتش آزادیبخش
- ۳۶- **عبدالمجید عالیمان** - مهندس کشاورزی - فرماندار بابل در ابتدای انقلاب فدرلسطنتی - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از بابل - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
- ۳۷- **محبوبه عالی** - از مسئولان روابط خارجی ارتش آزادیبخش
- ۳۸- **بهرام عالیوندی** - هنرمند (استاد نقاشی)، استاد طراحی مدرن در وزارت فرهنگ و هنر
- ۳۹- **زهره عطریان** - از مسئولان سازمان سیاسی مجاهدین در خارج کشور
- ۴۰- **بیتول علوی طالقانی** - لیسانس فلسفه - مدیر دبیرستان اسدی تهران
- ۴۱- **نوراعلی نژاد** - مسئول بخش کردی در ستاد تبلیغات مجاهدین
- ۴۲- **مهدی فتح الله نژاد** - مهندس راه و ساختمان از مدیریت مهندسی و تأسیسات ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۴۳- **مهدی فیروزیان** - فوق لیسانس مهندسی تهویه و تبرید - رئیس اداره تأسیسات شهرداری تهران - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از تهران - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۴۴- **محمدجواد نقیصری مدرس** - کارشناس تسلیحات زرهی - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۴۵- **محمد قربانی** - دکترای تربیت بدنی و استادیپشین دانشگاه ایالتی تنسی در آمریکا - عضو تیم ملی کشتی ایران - قهرمان جامهای بین المللی تهران، تفلیس و بلغارستان - قهرمان اول جهان در سال ۱۳۴۹ و برنده مدال طلای المپیک آسیایی در همان سال
- ۴۶- **سهیلا قنبر نژادیان** - از مسئولان سازمان سیاسی مجاهدین در خارج کشور
- ۴۷- **منیر مکریمی** - مدیریت مهندسی و تعمیرات ارتش آزادیبخش
- ۴۸- **فریدون کیلانی** - نویسنده و شاعر زندانی سیاسی در رژیم خمینی

برخی از رویدادهای تاریخی

- بقیه از صفحه ۱۲
- ۱۹ مهر ۱۳۳۴ - پیوستن رژیم شاه به پیمان سنتو توسط دولت علاء
- ۱۸ مهر ۱۳۳۷ - اعتصاب ۵ روزه کارگران بندر شاهپور برای اضافه دستمزد
- ۱۴ مهر ۱۳۴۴ - آغاز محاکمه متهمین به ترورشاه در کاخ مرمر
- ۱۷ مهر ۱۳۵۰ - شهادت رفقا همایون کتیرایی، هوشنگ ترهگل، ناصر کرمی، بهرام طاهرزاده و ناصر مدنی از گروه آرمان خلق
- ۱۹ مهر ۱۳۵۱ - شهادت مجاهد خلق، مهدی محسن در درگیری با مزدوران ساواک شاه
- ۱۸ مهر ۱۳۵۲ - اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز
- ۱۰ مهر ۱۳۵۷ - انتقال خمینی از عراق به کویت و سپس به پاریس
- ۲۶ مهر ۱۳۵۷ - شروع اعتصاب بزرگ کارگری و کارمندی در سراسر کشور و منجمله دریا لاشگاه نفت شیراز، نساجی بزد، ذوب آهن اصفهان، کمرک خنقا، کمرک بندر شاهپور، معلمان سراسر ایران، بالاسنگساز و تأسیسات نفت آبادان، گروه صنعتی بهش، تأسیسات نفت اهواز و نفت خارک
- ۲۴ مهر ۱۳۵۷ - به آتش کشیده شدن مسجد جامع کرمان توسط عمال رژیم شاه
- ۲۲ مهر ۱۳۵۸ - به خون کشیدن صدان سدار لسی توسط مزدوران رژیم خمینی
- ۵ مهر ۱۳۶۰ - تظاهرات قهرمانانه و منجمله میلیشایی مجاهد خلق با شعار مرگ بر خمینی
- ۷ مهر ۱۳۶۰ - اعلام برنامه دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی توسط آقای سعید رحوی
- ۷ مهر ۱۳۶۰ - به هلاکت رسیدن آخوند سعید عبدالکریم هاشمی نژاد، از سران جاساکار رژیم خمینی از طریق عملیات انتحاری مجاهد خلق هادی علویان
- ۲۳ مهر ۱۳۶۱ - به هلاکت رسیدن آخوند اشرفی اصفهانی امام جمعه خاستگار کرمانشاه توسط عملیات انتحاری مجاهدین خلق
- ۲۷ مهر ۱۳۶۲ - عملیات ماجراجوانانه رژیم خمینی موسوم به والفجر در جبهه شمالی آغار و باشکست مفتضخانه رژیم خمینی پایان یافت
- در صفحه ۵
- سلطنتی
- ۱۲۳- **حسن نظام الملکی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۱۲۴- **زهرانوری** - دبیر دبیرستانهای تهران
- ۱۲۵- **منشور وارسته** - دکترای روابط بین المللی از دانشگاه ویلز انگلستان - کارشناس مشاور و رابط بین المللی
- ۱۲۶- **مینا وطنی** - از سازمان سیاسی مجاهدین در خارج کشور - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
- ۱۲۷- **ناهد همت آبادی** - هنرمند (خواننده اپسرا) - خواننده سولست تالار رودکی و خواننده اپرای تهران - لیسانس زبان و ادبیات خارجی
- ۱۲۸- **بیتول یوسفی** - مدیر مدرسه اداری ارتش آزادیبخش
- ۹۹- **گیتی گیومچینیان** - فرمانده دانشکده فرماندهی ارتش آزادیبخش
- ۱۰۰- **منصور لواتی** - فوق لیسانس مهندسی نفت و پتروشیمی - مهندس ناظر تولید و بهره برداری در پالایشگاه تهران - از هموطنان زردشتی
- ۱۰۱- **محمدی مددی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۱۰۲- **اسماعیل مرتضایی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش
- ۱۰۳- **مهرانه مستانی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
- ۱۰۴- **حسین مشارزاده** - از مدیریت توپخانه ارتش آزادیبخش - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از کرمان - زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زمان شاه
- ۱۰۵- **سپهر مشکین فام** - لیسانس شیمی - دبیر دبیرستانهای مشهد
- ۱۰۶- **غلامعلی مصباح** - فرماندار آمل در ابتدای انقلاب فدرلسطنتی - کارشناس وزارت اقتصاد و دارایی - کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از آمل - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۱۰۷- **مجید معینی** - از قهرمانان مقاومت در زیر شکنجه در زندانهای شاه و کاندیدای مجاهدین در انتخابات مجلس شورای ملی از تهران
- ۱۰۸- **محمد مهدی مفیدی** - مهندس تأسیسات - مدیر عامل شرکت پخش حرارت - مهندس مشاور وزارت فرهنگ و هنر
- ۱۰۹- **رقیه ملک محمدی** - از اعضای ستاد فرماندهی ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
- ۱۱۰- **محمد زمانانی** - مهندس برق از معاونت سر رشته داری ارتش آزادیبخش مسئول اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان در خارج کشور در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۱۱۱- **جلال منتظمی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش - زندانی سیاسی در زمان شاه
- ۱۱۲- **بهرام موبد** - عضو تیم ملی فوتبال ایران - قهرمان جام ملت های آسیا، قهرمان بازیهای آسیایی، عضو تیم ملی فوتبال ایران در بازیهای المپیک ۱۹۷۶ مونترال، عضو تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین - لیسانس روانشناسی
- ۱۱۳- **رسول مهلول ترکمان** - از مدیریت مهندسی و تأسیسات ارتش آزادیبخش - از ترکمن صحرا
- ۱۱۴- **محمود مهدوی** - از فرماندهان ارتش آزادیبخش
- ۱۱۵- **رباب مهدویه** - از مسئولان سازمان سیاسی مجاهدین در خارج کشور
- ۱۱۶- **بهر روز میرزایی** - استادیار پیشین دانشگاه کلرادو در رشته اقتصاد - فیلمساز
- ۱۱۷- **نظام میر محمدی** - فوق لیسانس حقوق جزا - وکیل دادگستری - زندانی سیاسی در رژیم خمینی
- ۱۱۸- **سپهر مینمیت** - از شورای رهبری مجاهدین
- ۱۱۹- **عباس میناجی** - دکترای مهندسی برق با استادیار پیشین دانشگاه آیووا در آمریکا
- ۱۲۰- **محسن نادى شیمتری** - نماینده شورادر ایتالیا
- ۱۲۱- **عظیم نارویی** - از طایفه نارویی بلوچستان
- ۱۲۲- **محمد مهدی ناهید** - مهندس کشاورزی - رئیس کشاورزی بنیاد مستضعفان در ابتدای انقلاب فدرلس

محکومیت رژیم ضدبشری خمینی

چهل و پنجمین اجلاس سوکمیسیون منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌های ملل متحد که در نوبرگزار شد، با تصویب يك قطعنامه شدیدالحن، رژیم ضدبشری خمینی را محکوم کرد. متن این قطعنامه در همین شماره نسرود خلق بچاپ میرسد.

این قطعنامه بی سابقه که توسط نمایندگان امریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه، هند، بلژیک، نروژ و

برخی از رویدادهای تاریخی از صفحه ۴

خارجی:

۱۹ اکتبر ۱۸۱۲ - عقب نشینی همراه باشکست سپاه ناپلئون از روسیه آغاز شد. در جریان این عقب نشینی که از مسکو به سمت پاریس صورت گرفت بیش از ۲۲۰ هزار از ۳۵۰ هزار نفر نیروهای سپاه ناپلئون به اشکال مختلف کشته شدند.

۱۴ اکتبر ۱۸۱۶ - تولد اوژن پواتیه کارگر فرانسوی و سراینده سرود انترناسیونال

۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ - تشکیل اولین بین الملل کمونیستی به ابتکار کارل مارکس

۱۳ اکتبر ۱۹۴۵ - اعلام موجودیت "فدراسیون سندیکایی جهان"

۱۱ اکتبر ۱۹۴۹ - پیروزی انقلاب دمکراتیک خلق چین و اعلام جمهوری دمکراتیک خلق چین

۱۴ اکتبر ۱۹۵۷ - برتاب نخستین ماهواره جهان (اسپوتنیک) توسط اتحاد شوروی

۱۱ اکتبر ۱۹۶۵ - بنیان گذاری حزب کمونیست کوبا

۳۰ سپتامبر ۱۹۶۵ - کودتای ارتجاعی و خونین ژنرال سوارتو علیه دولت ملی سوکارنو و قتل عام کمونیست‌های اندونزی

۱۹ اکتبر ۱۹۶۸ - شهادت انقلابی کبیر، کمونیست برجسته امریکای لاتین، رفیق ارستوچه گوارا

۲۹ سپتامبر ۱۹۷۰ - درگذشت رفیق میکول انریگز، عضو رهبری جنبش میردرشیلی

۲۹ سپتامبر ۱۹۷۰ - درگذشت جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر

۱۵ اکتبر ۱۹۷۲ - شهادت رفیق میکول انریگز، عضو رهبری جنبش میردرشیلی

۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳ - درگذشت پاپلنورد و شاعر مبارز و آزاده خلق شیلی

۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ - استقلال گینه بیسائو

۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ - تاسیس جبهه فارابوندو مارتینی در السالوادور

۱۹ اکتبر ۱۹۸۶ - سامورا ماشل رئیس جمهور موزامبیک و رهبر جنبش استقلال طلبانه مردم موزامبیک در یک سانحه هوایی مشکوک به قتل رسید.

مناطق دیگری به مخاطره می افکند.

۷- از نماینده ویژه می خواهد گزارش خود قوی ترین اقدامات ممکن در چارچوب سازمان ملل را جهت محو نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی و توصیه قرار دهد.

۸- از دبیر کل می خواهد تا در اجلاس بعدی، این سو کمیسیون را از گزارشهای دبیر و اقدامات انجام شده یادردست اقدام توسط ارگانهای ملل متحد برای

ممانعت از نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مطلع سازد.

۹- تصمیم میگیرد که وضعیت حقوق بشر در ایران از جمله وضعیت حقوق زنان و گروههای اقلیت نظیر بهاییان و کردها را در چهل و ششمین اجلاس خود بیش از پیش مورد بررسی قرار دهد.

اوکرائین پیشنهاد شده بود با ۲۰ رای موافق، سه رای مخالف و ۲ رای ممتنع به تصویب رسید.

هیات اعزامی مقاومت ایران در جلسات سو کمیسیون منع تبعیض حضور فعال داشت. اعضای این هیات ۲ بار به سخنرانیهای افشاگرانه پرداختند و اسناد و مدارک مهمی در زمینه جنایات رژیم به سو کمیسیون ارائه دادند.

متن قطعنامه

ایران برای همکاری با مقامات قضایی سوئیس جهت روشن شدن ترور پروفسور کاظم رجوی،

با ابراز انزجار از تداوم سرکوب زنان در جمهوری اسلامی ایران که طی آن زنان در ملاء عام شلاق خورده یا حتی دستگیر یا زندانی شده اند، و به ویژه باتوجه به گزارشهای مربوط به تعداد بالایی از نوجوانان و افراد زیر ۱۸ سال،

با در نظر گرفتن تاکید مجدد بر اصل جهان شمول بودن و تجزیه ناپذیری موازین حقوق بشر توسط نمایندگان جامعه بین المللی در کنفرانس جهانی حقوق بشر،

۱- از فراخوان اضطراری نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر خطاب به دولت جمهوری اسلامی ایران که در آن از این حکومت خواسته است تا خود را با معیارهای جاری بین المللی در زمینه حقوق بشر انطباق دهد، حمایت می کند،

۲- نقض آشکار و مستمر حقوق بشر در ایران را قویا محکوم می کند و از آن جمله است:

الف - استفاده از زور و خشونت بیش از حد برای سرکوب تجمعات و تظاهرات ضد دولتی،

ب - تداوم اعدام زندانیان سیاسی و ترور مخالفان در خارج،

ج - سنگسار، شکنجه و سرخوردن تحقیق سر آمیز با شهروندان به ویژه زنان،

د- تداوم آزار بهاییان و سایر اقلیت‌های مذهبی،

ه- اذیت و آزار اقوام پناهندگان سیاسی ایرانی، در خاک جمهوری اسلامی ایران برای مجبور کردن پناهندگان به بازگشت به ایران با همکاری در امور اطلاعاتی،

۳- توسل به هرگونه توجیه فرهنگی و مذهبی برای نقض موازین عام و جهان شمول حقوق بشر را رد می کند.

۴- از دولت جمهوری اسلامی ایران مصرانه می خواهد تا حملات خود به ایرانیان تاراجی در خارج را خاتمه دهد.

۵- از تداوم ماموریت آقای گالیندویل، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر، و نظارت بین المللی بوضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران حمایت می کند.

۶- معتقد است که رفتار و خامت یابنده جمهوری اسلامی ایران از لحاظ نقض حقوق بشر و آزادیهای بنیادی و نقض موازین بین المللی، که عواقب ناشی از آن فراتر از مرزهای داخلی می رود، صلح و امنیت را در

بایادآوری قطعنامه ۱۹۹۲/۱۵ خود مصوب ۲۷ اوت ۱۹۹۲ و دیگر قطعنامه‌های دبیرت مجمع عمومی از سال ۱۹۸۶ تاکنون، کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۸۲ تا کنون، و سو کمیسیون از سال ۱۹۸۱ تاکنون که تماما خواهان پایان بخشیدن به نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران شده اند،

باتوجه به قطعنامه ۱۹۹۳/۶۲ کمیسیون حقوق بشر که طی آن کمیسیون ابراز تاسف کرد که مطابق نتیجه گیری، نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران بسیاری از توصیه‌های او در گزارشهای قبلیش را به نحو مکفوسی پیگیری نکرده بود.

بانگرانی عمیق از تداوم نقض حقوق بشر توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، از جمله اعدای بی رویه و فوری، شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز، دستگیریها و حبس بی رویه، ناپدید شدن اجباری، عدم وجود تضمین آیین دادرسی و حق برخورداری از محاکمه عادلانه و عدم رعایت آزادی مذهب و بیان،

بانگرانی شدید از سرکوب سیستماتیک جامعه بهاییان و اوضاع اسفناک کردهای ایرانی،

با ابراز تاسف عمیق از این که بیش از يك سال است که دولت جمهوری اسلامی ایران از همکاری با نماینده ویژه امتناع ورزیده و از سفر وی به ایران ممانعت به عمل می آورد،

با ابراز تاسف از این که به رغم توافق به عمل آمده بین دولت ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ در مورد بازدید از زندانهای ایران، هیات نمایندگی این کمیته کمتر از يك ماه پس از آغاز ماموریت خود، در مارس ۱۹۹۲ از ایران اخراج گردید و هنوز دولت از دادن اجازه از سرگیری بازدیدهاش، سر باز می زند.

با ابراز نگرانی از افزایش دستگیریها به دنبال تظاهرات ضد حکومتی و سرکوب خشونت آمیز اعتراضات مردم در شهرهای مختلف از جمله تهران،

باناکید مجدد بر این که دولت‌ها در قبال سوء قصد ها و حملاتی که توسط عواملشان علیه اشخاص در خاک يك کشور دیگر صورت می گیرند و نیز در در قبال تحریک، تأیید یا اغماض آگاهانه نسبت به این گونه اعمال مسئول هستند.

بایادآوری قطعنامه‌های قبلی خود در محکومیت قتل اتباع ایران در خارج و شرکت ظاهرا مستقیم سرویس‌های رسمی ایران در این ترورها و درخواست از دولت



"مارکسیسم، سیاست، اخلاق"

منبع: پانتلی ریویو - چاپ آمریکا شماره ۷۰ ژوئن ۹۲
نویسنده: استفان مزاروس*
مترجم: حمید - علیرضا

(بی تردید) سیاست نیرمبانی اخلاقی مختص به خویش رادار است - موضوعی پیچیده و دشوار کسه هرگز بوضوح و روشنی بدان پرداخته نشده است - آنگاه که سیاست بایستی به مبانی اخلاقیش خیانت ورزد، گزینش اخلاق نیز مبتابه خیانت به سیاست است - حال راه را خارج از این بارادوکس باید یافت! بویژه آن هنگام که سیاست "انسانا لاری" را بعنوان هدف خویش برگزیده است.

ژان پل سارتر

"سویت ویکلی"***، در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۸۹، مقاله‌ای با عنوان "بدروا! بیش ابتدایی از سوسیالیسم" منتشر نمود. این مقاله توسط یکی از مشاورین گورباچف، عضو پارلمان و رئیس "انستیتیوت اقتصاد سوسیالیستی" نگاشته شده بود. عنوان مقاله که بیش ابتدایی از سوسیالیسم رادرداشت، گرچه ناخواسته، نقطه نظر نظرنویسنده را بوضوح آشکار می‌ساخت. نویسنده نقطه نظرات خویش را پیرامون وضعیت جهان و تحقق تاریخی سوسیالیسم این چنین بیان می‌دارد:

"تئوری همگرایی - که بر اساس آن سرمایه‌داری و سوسیالیسم در حال نزدیکی به هم و در پایان بیکدیگر خواهند رسید - بهیح وجه ابدی‌ای خام و ابتدایی، انسان که بیشتر تصور می‌شد، نیست. غرب در حال حرکت بسمت جامعه بهتری است که به جامعه "فرا صنعتی" شناخته می‌شود. ما معمولاً این جامعه را به عنوان "اولین مرحله کمونیسم" می‌شناسیم."

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مشاور مورد اعتماد گورباچف نه تنها توهمانی از قبیل "جامعه فرا صنعتی" دانیل بل را می‌پذیرد، بلکه هم چنین نتایج خام و بی پایه را برت تا کو را که معتقد است "برداشتی که مارکس از کمونیسم داشت بیشتر قابل اطلاق به امریکای امروزی است تا تعریفش از سرمایه‌داری" (۱) قبول می‌کند.

بنابراین در کنار تسلیم شدن به بعضی از آرای قدیمی موجود در غرب سرمایه‌داری، اندیشه‌های باصطلاح نوین اتحاد شوروی تحت رهبری گورباچف تلاش نمود تا تعریفی از نوآوری‌های عجیب و غریبش

ارائه دهد. فرمانروایان و مبلغان پیشین سیستم استالینی، در حالیکه دانشا به بازگشت ناپذیرستی راهی که در پیش گرفته بودند تاکید می‌ورزیدند، مشتاقانه سعی می‌کردند تا به ریگان، تاچر، بوش و امثالهم نشان دهند که اعتقاد عیشان به تقدس "اقتصاد بازار" امری قطعی و تغییرناپذیر است. برای اثبات حسن نیتشان نیز به "توافق عام" (اجماع) و باور تزلزل ناپذیرشان بر سادات "ارزش‌های جهانشمول انسانی" تمسک می‌جستند.

طبعاً در عالم واقعیات تمام این تشبیهات چیزی جز آب در هاون کوبیدن نبود، بویژه اینکه چیزی برای اثبات ادعاهای گورباچفی هاوجود نداشت بجز تکرار ادعاهای همیشگی شان. نتیجتاً ایدئولوگهای تازه به دوران رسیده برای اینکه اعتماد به نفسی در مذاکراتشان با کاخ سفید بدست آورند و همچنین در ارائه کارنامه شان در داخل، افسانه سیستم ارزشی شرق - غرب را که هم دارای زمینه‌های مادی بود و هم مورد پذیرش دوطرف، پیش کشیدند. در این کسرو داری بود که وادیم مدودوف آخرین "مدراید و شولوزیلنگورباچف" (عنوانی که بطور رسمی به وی اطلاق می‌شد) اعلام نمود که - علی‌رغم همه شواهد تاریخی موجود - برخلاف ادعای ایشان - رابطه کالا - پول و بازار سرمایه - داری تضمین‌های اساسی برای ارزش‌های جهانشمول انسانی و یک دستاورد عظیم تمدن بشری می‌باشند (۲). و به این دلیل با فشارها خواهان این بود که مستکران "پروستریکا" می‌بایستی تحلیل طبقاتی را با نگرش جهانشمول انسانگرایانه جایگزین کنند (۳).

چنین نگرشی نسبت به ارزش‌ها - که مشخصه بارز این باور بی پایه و اساس است که ارزش‌های انسانی هیچگونه ارتباطی با ساختارهای اجتماعی ندارند - به توسط بوروکراتهای رهبری کننده شوروی در تمام پهنه‌های زندگی، از دیپلماسی بین‌المللی گرفته تا روابط فیما بین ملل ساکن، بکار بسته شد. از اینرو وزیر خارجه بخت برگشته، الکساندر استرنینک نیک، با ادعای زیر پروری نگرش پراگماتیستی را بر نگرش ایدئولوژیک (۴) اعلام نمود.

جوهره طرز تفکر جدید (در دیپلماسی بین‌المللی) اینست که نوع دوستی هرچه فزاینده را بجای خود پرستی بنشانند. نوع دوستی دیگر از خواص مکتوب رمانتیک دیپلماسی شمار می‌رود بلکه سرعت به عنوان یک عنصر اساسی در طرز تفکر جدید تبدیل شده است. (۵)

بدین ترتیب تضاد تاریخی - اجتماعی فیما بین کار و سرمایه با درخواست خوش خیالانه از جحیت منافع نوع دوستی به آشتی کشانیده شد. در واقع این سازش آن چیزی است که "سمرتیک" بیش واقع‌گرایانه از واقعیات می‌نامد. (۶)

"زولیان براملی" (رئیس شورای علمی مطالعات قومی در آکادمی علوم اتحاد شوروی سابق) نیز در حال و هوای مشابهی نقطه نظرات واقع‌بینانه خویش را از واقعیات ملل در کل و از آن اتحاد شوروی را بطور اخص چنین جمع بندی نمود:

(مردم شوروی) بازتاب یک واقعیات، یک دولست و موجودیت منطقه‌ای هستند که دارای رخساره‌های مشترک فرهنگی، سنن، ارزش‌ها و خودآگاهی یگانه‌ای

می‌باشند. تاریخ طولانی هزاران ساله نوع بشر این چنین موجودیت‌هایی را بکرات دیده است، همچون ملت‌های هند و اندونزی در نیای در حال توسعه، مردم سویس در غرب و بوگسلاوها در جهان سوسیالیستی. بنا بر این مردم شوروی نیز یک پدیده طبیعی هستند هم چون دیگران که اساساً تنهادر پارامترهای سوسیالیستی و ارزش‌های معنوی مترتب بر آن باحوامع مشابه خود اختلاف دارند. بوضوح بایستی اینرا بذهن سپرد که ملت شوروی از گروه‌های قومی متنوعی تشکیل شده است. (۷)

بدین ترتیب است که افسانه ساختگی استالینیستی ملت شوروی **** (در حقیقت استالین بخاطر خوار کردن ملیت‌های گوناگون داخل اتحاد شوروی، بجز روسیه، عنوان خشک و خالی گروه‌های قومی را ابتداء نمود - چیزی که مطلقاً دل‌بخواه بوده و از اراده فردی وی منبعت می‌شد و بهمین دلیل هم لنین او را زاندارم روسی کبیر نامید) می‌تواند بنام باصطلاح اصول روشنگرانه، انسانی و رهایی بخش "ابده‌های نو" در تئوری (اما نه چندان پایدار و طولانی در عمل) جاودانه شود. مخرج مشترک همه اینها سطر می‌رسد که تحمیل اراده گرایانه ارزش‌های ادعایی است که هیچ ریشه‌ای در جهان مادی و واقعی ندارند (صرفاً در عالم خیال و آرزو متصورند) - خواه ارزش‌های معنوی خوانده شوند یا بهر نام دیگری بخود بگیرند - بر زمینه واقعیات مفروض تاریخی - اجتماعی که تناقضات بحود دنیا کانه آشکار - شان می‌بایست از خلال قدرت اقماعی و صحت بدیهی بی نیاز از برهان شان حل می‌شد آنان که مدعیان "اندیشه نو" فتوی می‌دادند.

سرچشمه و الهام بخش همه این ابده‌ها، البته مدبر اول و رئیس جمهور میخائیل گورباچف بود. او مدعی بود که "کلاروتیز"**** و "سیاست قدرت" دیگر به کتابخانه هامتعلق اند، زیرا: برای اولین بار در تاریخ، بنانهدن سیاست‌های جهانی برهنجارهای اخلاقی که فصل مشترک تمام بشریت است و اساسگرایی در روابط بین کشورها، به یک نیاز حیاتی مدل شده است (۸).

اما از آنجاکه او از پذیرش اختلاف بالنسبه آشکار مابین "نیازها" (یا ضروریات) و منافع اجتماعی واقعا موجود خودداری نمود، ناچار از تکرار روضه‌های اخلاقیش درباره "اولویت ارزش‌های جهانشمول انسانی" شد. (۹) آنهم در هنگامی که رقبای ایشان با کمال بی رحمی و تجاوزکاری آشکار، از ادامه وابستگی شان به اصول آزمون شده "کلاروتیز" - در خلیج فارس) و جاهای دیگر - دفاع نمودند. حقیقت اینست کسه

"ارزش‌های جهانشمول انسانی" نمی‌توانند بسادگی در جامعه‌ای که دستخوش تضادهای حاد و ویرانگر طبقاتی است فرض شود. آنها می‌بایست در کوران غلبه بر این گونه تضادها آفریده شوند، همانگونه که برنامه سوسیالیستی در نظر دارد. به این دلیل است که مدافع خواسته‌اندیشه‌شان از راه حلی جهان پذیرنده می‌توانند تا مرحله تقاضای "ارزش‌های جهانشمول انسانی" پیش بروند همچنان که پیشتر نشان داده شد. و همانطور که در بالا بدان اشاره شده است، رها کسردن تحلیل طبقاتی از بالای برج عاج برتری تحلیل عام انسانی - نتیجتاً آنها می‌توانند صرفاً زمینه سازش



همه ارزش های موهوم جهانشمول آشتی ناپذیری که تحت عنوان افسانه "علاق روزافزون نوع دوستانه" که از بطن اندیشه نوین قدم به جهان پراز دردورج مانده است گردند.

گورباچف تا آنجا پیش رفت که ادعا نمود که "کنار گذاشتن اختلافات ایدئولوژیکی يك امر اساسی است" (۱۰) بدون اینکه به شرایطی - اگر اساسا وجود خارجی داشته باشد - که به تحقق چنین آرزویی می انجامد بپردازد. کتاب "پروستریکا"ی ایشان مرکب از خواسته اندیشی های دورودرازی است که در زورق لفاظی های متداول آنچنانی دبیراولی پیچیده شده اند. در عین حال در هیچ کجای کتاب تلاشی برای نشان دادن اینکه چگونه می توان اهداف سیاسی خواسته شده را به منته عمل کشانید نشده است. جالب اینجاست که نویسنده "پروستریکا" در حالی که پیگیرانه خواسته اندیشی های مطول خویش را دنبال می کند ادعا می نماید که "درواقع گرایبی سیاسی جایی برای خواسته اندیشی وجود ندارد" (۱۱). البته ایشان تنها بدین منظور چنین سخنی را اظهار داشته است تا تمذیق غیر قابل انکاری باشد بر اعتبارنامه سیاسی اش به عنوان يك سیاستمدار واقع گرا، و در عین حال از درد سر پرداختن به درستی راهی که انتخاب نموده معاف گردد. او فکر می کرد با گفتن این مطلب که "برنامه پروستریکا را زمانی اعلام نمودیم که چاره ای دیگری باقی نمانده بود" (۱۲) پاسخ به سوال اساسی مربوط به زیست پذیری "پروستریکا" خود بخود و بخاطر وجود نیساز طبیعی بدان حل خواهد شد.

مناصفانه آن چنان که تجارب تاریخی نشان می دهند، خواسته اندیشی های اراده گرایانه - که غالبا طرفدار پروپاقرص تمسک به اعتبار ضروریات اخلاقی ادعایی می باشند - دقیقا آن زمانی به موضع مسلط در سیاست مبدل می شوند که اهداف سیاسی اعلان شده به علت ضعف ذاتی مروچینشان فاقد رمیننه لازم می باشد. آویختن مستقیم به اخلاقیات در این چنین بحث هایی تنها یک جانشین تخیلی از موضوعات و نیروهای سیاسی قابل شناخت که می توانند ضامن تحقق اهداف تعیین شده باشند است. این نکته است که چنین مباحث سیاسی را هر اندازه هم که ادعاهای اخلاقی جهانشمول آنهاش مطمئن باشند، به شدت پیچیده و غامض می سازد. بنابراین وقتی که "مسدر ایدئولوژیک آقای گورباچف" نظرات دبیراوش را بازتاب می دهد و با فشارانه می گوید که:

ماتصمیم مان را گرفته ایم... جامعه ما عازم در راه درستی است و جریان یکطرفه در امتداد این مسیر بازگشت ناپذیری می شود. (۱۳)

به عمدا پزیرش حیاتی در مورد مقصود همچینین مقبولیت (و با عدم مقبولیت) راه برگشت ناپذیری و یک طرفه فوق چشم پوشی می کند. دقیقا به این دلیل که به جای يك تحلیل جدی از مقام اشتباهاتی که تحسنت "استالینیسیم" در جامعه بعد از انقلاب رخ داد - پسر کردن خلاء موجود توسط شعارهایی از قبیل "تحلیل جهانشمول انسان گرایانه" کاربرد آنجا کشید که به نتایج یابوه وی معنایی همچون اینکه بازار سرمایه داری

"تضمینی است برای تجدید حیات سوسیالیسم" (۱۴) رسیدند. در اینجا است که سخنان سارتر یکی از مصادیق عینی خود را در مروجان پروستریکا باز می یابد. نیست اولیه شان برای هموار کردن راه به سمت "جهنم دانته" هر چه که می خواهد باشد، مهم این است که کارشان بدانجا انجامید که به جای تحقق بخشیدن به "انسان سالاری" قلمرو تعددی و ستم سرمایه داری را برگزینند. این چنین روشن شد که احیا، علاقه به مباحثات اخلاقی "پروستریکا" به نتایج عقیم و به غایت فریبکارانه ای انجامید. "اخلاقیات" و "ارزش های جهانشمول انسانی" تنها بدین دلیل توسط متخصصان و سیاستمداران "پروستریکا" استفاده شدند تا بتوانند مهمترین تناقضات در استراتژی را که به توسط گورباچف دستیارانش دنبال می شد بپوشانند، استراتژی ای که نه بطور اتفاق، بلکه با پذیرفته شدن بازگشت سرمایه داری باز شد. اینجاست که مسئله اهمیت رابطه مابین اخلاقیات و سیاست مجددا تاکید می شود. و بویژه این اهمیت وقتی بیشتر جلوه گیری می کند که با حرکت های اجتماعی رهایی بخش تلاقی می کند.

برونده مارکسیسم قرن بیستم در این مورد چندان دلگرم کننده نیست. علیرغم علاقه و توجه عمیق مارکس به این موضوع (۱۵) نگرشگران مارکسیستی این دوره (بجز گائوشکی که به موضوعات مربوطه از دیدگاهی کاملا مکانیستی پرداخته است) توجهی به مسئله مهم ارزش های سیاسی و اخلاق نداشته اند. بر این زمینه است که نقطه نظرات مارکس نیز به شیوه نادرستی ارائه شده اند. نظریه عجیبی که مارکس را يك "فرد اومانیت در تئوری" خوانده است - نظریه ای که از يك سوم محصول ناآگاهی و از جانب دیگر محصول پذیرش موضع استالین است که اشتغال ذهنی به اینگونه مسایل راتحت عنوان "اخلاقی کردن غیر قابل قبول" محکوم کرده بود می باشد - يك مثال آشکار در نادرست معرفی کردن مارکس می باشد. به همین جهت اینکار "مانتلی رویو" برای آغاز بحث های جدی پیرامون این موضوعات کاملا بجاست.

رابطه بین اخلاق و سیاست به تنها يك مسئله غامض است، بلکه همچنین علیرغم تمام تلاش هایی که بعضی از سیاست های مشخص به خرج دادند تا خود را برتر و ماوراء آن قلمداد کنند، يك نیاز غیر قابل اجتناب می باشد. این رابطه گسست ناپذیر و تنگاتنگ مابین سیاست و اخلاق همچنین به ملاحظات تئوریککی موضوع نیز تعلق می گیرد. هر آنگاه که روبرویی با مسایل و تناقضات سیاسی در نظامات اجتماعی مسلط دچار مخممه و مشکل می گردد، همزمان این تئوریهها (ای غیر علمی) نیز به دردهای ناشی از آن مشکلات دچار می شوند. از اینرو به هیچ وجه تصادفی نیست که قرن حاضر این چنین در زمینه "تئوریه های اخلاق" بسی بفاعت است.

حتی يك نگاه سطحی به تاریخ فلسفه روشن می سازد که اغلب نویسندگان آثار بزرگ اخلاقی در عین حال آغاز کنندگان کارهای اولیه تئوریک در سیاست نیز می باشند. در حقیقت مبحث میانی علم اخلاق به سیاست به عنوان زمینه عملی نیازمند است و بدون آن جز يك سلسله مباحث پوچ آکادمیک چیز دیگری نخواهد بود.

بدین خاطر است که تمامی آثار عمده علم اخلاقی، موجود در تاریخ فلسفه، دست در دست تئوری های مشخص و همتر از های سیاسی شان دارند و بالعکس، تمام مفاهیم جدی سیاسی، اصول پایه ای خود را بر بستر مباحث اخلاقی مطرح نموده اند. این قضیه به همان اندازه در مورد ارسطو صدق می کند که در مورد هاس و اسپینوزا، و به همان اندازه برای روسو و کانت صادق است که برای هگل. برآستی که در نمونه هگل، تئوری اش در سبب میانی اخلاق کاملا در تئوری دولت او ادغام شده است. (فلسفه حق) - این تصور که، سیاست سوسیالیستی قادر به گریز از داشتن رابطه ای تنگاتنگ با اخلاق سوسیالیستی مترتبش می باشد می باشد. فانتزی خالص و ناسمبعلق دارد. در حقیقت نقطه نظرات مارکس در مورد سیاست به انسان که نقطه نظرات او در باب اخلاق و ارزش ها بیان شده اند، مورد مذاقه قرار گرفته اند.

هیچکس بدون يك نقد ریشه ای از سیاست قادر به آفرینش يك اثر شایسته اخلاقی سوسیالیستی نخواهد بود. زیرا ارزش ها و هنجارهای اخلاقی مقبول می توانند (به همانسان که ممکن است نتوانند) اعتبارشان را صرفا در دنیای اجتماعی که عملا توسط کارکردهای فرا گیرنده سیاسی سازمان داده شده اند کسب نمایند. بنا بر این قابل درک است که تحت استالینیسیم - آنگاه که هرگونه بررسی انتقادی از سیاست بدست فراموشی سپرده شده بود - تمامی تمایلات مبنی بر آفرینش يك اثر پر معنا و با ارزش در علم اخلاق، منجمله آرزوی دبیر پای "لوکاخ" دایر بر نوشتن يك اثر سیستماتیک اخلاقی، بایستی سرکوب می شد.

امایک عامل مهم وجود داشت که حتی امروزه نیز پس از زوال استالینیسیم همچنان بیش از پیش بقوت خود باقی است. این عامل خود را در هر چه بیشتر محدود کردن جانشین های مجاز توسط کارکردهای قانونمند سیستم جهانی سرمایه داری نشان می دهد. بدین دلیل است که شعارهای مطلوب سیاستمداران - از مارگارت تا چرچ گرفته تا میخائیل گورباچف - این است که: "هیچ راه حل دیگری وجود ندارد". و همزمان نیز مایلند تا باورشان را به سیاست به عنوان "هنر تحقق امکان" حفظ کنند. اما امکان چه معنایی در بر خواهد داشت اگر قبول کرده باشیم که راه حلی و جانشینی متصور نیست؟ نوعاً مانیکه گورباچف - در صفحه ۵۱ کتاب پروستریکا - باورش را به "هنر تحقق امکان" مجددا اعلام می کند به تحریف کردن مفاهیم انسانکه او را قادر سازد تا "ممکن" را ضروریات اجتناب ناپذیر و بنا بر این غیر ممکن معنی کند دست یازیده است زیرا که "الترناتیو دیگری وجود ندارد".

بر اساس این فرض که "هیچ الترناتیوی موجود نیست" هیچگونه بحث اخلاقی با مفهومی نمی تواند وجود داشته باشد. از اینرو اخلاق خود را به ارزیابی و تطبیق عملی اهدافی که افراد و گروه های اجتماعی برای خود در نظر می گیرند ملتزم و متعهد میدانند. در عین حال بایستی تاکید گردد که تحقیقات اخلاقی نمی تواند جانشین يك نقد ریشه ای از سیاست، آنهم در واقعیت مایوس کننده و از خود بیگانه کنونی، گردد. پیگیری جانشین های زیست پذیر برای - واقعیت مخرب نظام اجتماعی سرمایه داری - که بدون آن برنامه

"مارکسیسم، سیاست، اخلاق"



سویالیستی بکلی بی معنی است - بیک موضوع مبهم عملی است - نقش اخلاقی و پایه‌های تئوریک آن در موفقیت این امر خطیر، حیاتی است اما امید بی‌سره موفقیت این پروژه بدون پیوند مجدد مابین اخلاق سویالیستی و استراتژی سیاسی، بدون درس آموزی از تجارب تلخ گذشته نه چندان دور، بدون ارتبساط نزدیک و تنگاتنگه بایک نهضت اجتماعی که مضموم به چالش مبارزه باحکم نامقدس "جانشین دیگری وجود ندارد" می‌باشد، متصور نیست.

یادداشت‌های نویسنده

- ۱ - رابرت تاگر، فلسفه و اسطوره در آثار مارکس انتشارات دانشگاه کمبریج - ۱۹۶۱ (صفحه ۲۳۵)
- ۲ - وایدیهودف، ایدئولوژی پرستریکا، سالنامه پرستریکا، جلد دوم، (لندن ۱۹۸۹) صفحه ۳۱
- ۳ همان، صفحه ۴۳، الکساندر سیمنیتزیک، سیاست خارجی خط جدید، سالنامه پرستریکا، جلد دوم، صفحه ۴۹
- ۴ همان، صفحه ۵۰، همان، صفحه ۴۹
- ۵ - ژولیان براملی، روابط اخلاقی و پرستریکا، سالنامه پرستریکا، جلد دوم، صفحه ۱۱۸
- ۶ - میخائیل گورباچف، پرستریکا، (لندن، ۱۹۸۸) صفحه ۱۴۱
- ۷ همان، صفحه ۱۸۵
- ۸ همان، صفحه ۲۲۱
- ۹ همان، صفحه ۲۲۰
- ۱۰ همان، صفحه ۲۶۴ - (در جای دیگر در کتاب گورباچف چنین می‌نویسد: مادر اعتقادمان به اینکه پرستریکا لازم و ویراستی اجتناب ناپذیر است و اینکه هیچ راه دیگری در پیش رویمان نیست متفق القولیم - صفحه ۶۷ - حتی اگر این اندیشه صحیح تلقی شود، ادعای عدم وجود الترناتیو به هیچ وجه درستی مسیر انتخاب شده را اثبات نمی‌کند. ادعاهای سیاستمدارانی که معتقد به عدم وجود بدیل به عنوان یک قانون هستند در خدمت موجه جلوه دادن شکست‌هایی اند که خود عاملش بوده‌اند)
- ۱۱ - ۱۳ - منبع، صفحه ۴۰
- ۱۲ - همان، صفحه ۳۲
- ۱۳ - من این موضوعات را در کتابم به نام "تئوری از خود بیگانگی مارکس" بحث کرده‌ام (لندن، ۱۹۷۰ نیویورک ۱۹۷۲) بویژه در فصل چهارم که به جنبه‌های اخلاقی تئوری مارکس می‌پردازد.

■ استغاف مزاروس مولف چندین کتاب می‌باشد. ایشان اخیراً از سمت ریاست بخش فلسفه دانشگاه سوکس بازنشسته شد. آخرین اثر او تحت عنوان "آسوسیاتیسم، سوی یک تئوری انتقال" بهار آینده توسط انتشارات مرلین منتشر خواهد شد.

■ سویت ویکی: هفته نامه‌ای که در اتحاد شوروی سابق چاپ می‌شد. (مترجمین)

■ متاسفانه نویسنده، نظرات خویش را در مورد استالین مستند بیان ننموده است. (مترجم)

■ کارل کلازوتتر (۱۸۳۱ - ۱۷۸۰)، ژنرال پیروسی و نویسنده صاحب نظر مور نظامی. او معتقد بود که جنگ ادامه سیاست بطریق دیگر است و اینکه در جنگ دشمن بایستی در تمامیتش موردتهاجم قرار گیرد. (نقل بسه تخلص از دایره المعارف جدید کلمبیا ۱۹۷۵) (مترجم)

مهمترین تحول در تاریخ معاصر خاور میانه

از صفحه ۱

بیت المقدس مذاکره و توافق صورت گیرد. خبرگزاریها از اینکه قبلاً از مذاکرات محرمانه ساف و اسرائیل در روزهای اخیر نشده و این مذاکرات کاملاً محرمانه باقی مانده بود، حیرت زده بودند. طی چند روز اعلام شد که ساف و اسرائیل همزمان یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند روز جمعه ۱۷ شهریور سندی که شب قبل به امضای یاسر عرفات رسیده بود، توسط رابین امضاء می‌شود. سندی که بیان‌کننده به رسمیت شناخته شدن دو طرف است، بصورت نامه‌ای از طرف عرفات برای رابین است که در آن مسائل زیر از طرف یاسر عرفات اعلام می‌شود:

ساف حق موجودیت اسرائیل را رسماً موردشناسایی قرار می‌دهد.

- ساف قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۲۴۳ سازمان ملل را رسماً می‌پذیرد.

- ساف متعهد به روند صلح خاور میانه و راه حل صلح آمیز مناقشات است.

- ساف توسل به تروریسم و سایر اعمال خشونت بار را محکوم می‌کند و مانع از تخطی از این اصول می‌گردد و مخاطبان را مجازات می‌کند.

- ساف می‌پذیرد که آن بخش از منشور خود را که موجودیت اسرائیل را نفی می‌کند، ملغی نماید و در پاسخ به این مواضع و نامه یاسر عرفات اسحاق رابین طی نامه‌ای به یاسر عرفات می‌نویسد:

"در پاسخ به نامه شما با توجه به تعهدات ساف، دولت اسرائیل تصمیم گرفته است ساف را به رسمیت بشناسد." به دنبال این تصمیم موجی از حمایت بین المللی از این رویداد صورت گرفت. اکثریت قاطع هیئت وزیران اسرائیل و پارلمان اسرائیل و پارلمان فلسطین از این تصمیم پشتیبانی نمودند. دولت آمریکا از رهبران ساف و اسرائیل برای امضاء قرارداد صلح در واشنگتن دعوت نمود. در این مراسم که بیش از سه هزار نفر شرکت داشتند، شیمون پروزور پیرامور خارجه اسرائیل و محمود عباس رئیس بخش بین المللی ساف توافقی نامه تاریخی ساف و اسرائیل را امضاء کردند و آندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه و وارن کریستوفر وزیر امور خارجه آمریکا به عنوان شاهد و تضمین‌کننده توافقی نامه، این

اعصاب کارگران کارخانه‌های نساجی

دفتر مجاهدین خلق ایران در پاریس در تاریخ ۶ مرداد امسال اطلاعیه زیر صادر نمود:
"کارگران کارخانه‌های شماره ۲ و ۳ نساجی قائم شهر در اعتراض به کمبود شدید دستمزدهای خود و شرایط بسیار سخت اقتصادی دست به اعتصاب زده‌اند. کارگران این کارخانجات که از بزرگترین مجتمع‌های نساجی ایران است، از ابتدای ترین امکانات منصفی محروم می‌باشند."

وضعیت این دو کارخانه بشدت متشنج می‌باشد و کارگران خشم خود علیه مزدوران رژیم آخوندی را بنهان نمی‌سازند. ساواک رژیم وضعیت کارخانه را انفجاری ارزیابی کرده است.
طی روزهای اخیر بر تعداد اعتصابات در کارخانه‌های ایران بدلیل وخامت اوضاع اقتصادی و گسترش نارضایتی افزوده شده است."

سندتاریخی را پاره کردند.

امضاء قرارداد صلح بین ساف و دولت اسرائیلی مسلماً تاثيرات مهمی در منطقه خاور میانه خواهد داشت. در مرحله اول نیروهای بنیادگرای اسلامی از این قرارداد زیان خواهند دید و به همین علت در صدد سر خواهند آمد که در پیرویه اجرای آن خرابکاری نمایند. رژیم خمینی بهمانگونه که مسئول شورای ملی مقاومت ایران، آقای مسعود رجوی بلافاصله پس از امضاء توافقی صلح در پیام خود اعلام نمود "وارثین خمینی اولین بازندگان توافقی واشنگتن هستند" (خبرگزاری فرانسه ۲۲ شهریور ۷۲)

آخوندخانه‌ای در روز ۶ شهریور در دیدار با وزیر و کارکنان وزارت خارجه رژیم گفت: "دفاع از مسلمانان عالم و در راس آنان مبارزین فلسطین از اصول قطعی و اساسی نظام جمهوری اسلامی ایرانست و بر همین اساس هر نوع مصالحه‌ای بر سر منافع مسلمانان را در هر نقطه‌ای از جهان که باشد، نمی‌پذیریم و مذاکره باصطلاح صلح خاور میانه را هم در همین راستا می‌بینیم و آن را به نفع جهان اسلام نمی‌دانیم. لذا سیاست قطعی جمهوری اسلامی ایران، عدم رابطه و مذاکره با امریکاست." (کپهان هوایی - ۱۰ شهریور ۷۲). خانه‌ای بطور آشکار بردخالت و خرابکاری رژیم در امر صلح خاور میانه اعتراف می‌کند. پس از آنکه مساله به رسمیت شناختن ساف و اسرائیل از جانب یکدیگر مطرح شد، وزارت امور خارجه رژیم با انتشار بیانییه‌ای این توافق نامه را محکوم نمود. رادپوزریم در تاریخ ۱۳ شهریور ۷۲ مبادرت به پخش بیانییه وزارت امور خارجه رژیم نمود. و سرانجام یک روز بعد از امضاء قرارداد صلح در واشنگتن و رفسنجانی این توافقی نامه را یک "خیانت" و آنرا محکوم نمود و یکبار دیگر روشن شد که آخوندهای حاکم بر میهن ما، حیات خود را در ادامه بحران و تشنج در منطقه می‌دانند. قبل از امضای این توافق نامه، امریکا به انحاء مختلف خواستار آن بود که رژیم در این رابطه موضع مخالف اتخاذ نکند. بعضی از روزنامه‌ها از مذاکره غیرمستقیم و حتی مستقیم امریکا با رژیم بر سر این مساله مطالبی انتشار دادند. کلینتون در مباحثه با روزنامه نیویورک تایمز که در شماره روز ۲۱ شهریور این روزنامه چاپ شد، گفت که "امیدوار است ایران با مخالفت با این بست شکنی خاور میانه، خود را بیش از پیش ایزوله نکند بلکه برعکس تغییر مسیر داده و به این وسیله احتمال یک رابطه متفاوت با واشنگتن و غرب را ایجاد کند." ولی آخوندهای حاکم بر میهن ما بنا به منافع حیاتی خودشان که ایجاد بلوا، بحران، آشوب و ناسازگاری در جهان است، آب پاکی روی دست همه کسانی که هنوز فکرمی‌کنند آخوندها را مدعی هستند ریختند و بدین وسیله زمه‌هایی که چند روز قبل از امضاء توافق نامه صلح در تهران مبنی بر "مذاکره با امریکا" وجود داشت و بعضی از روزنامه‌های رژیم و منجمله روزنامه همشهری در شماره روز ۲۲ شهریور خود بدان اشاره کردند، این واقعیت را هر چه بیشتر نشان داد که رژیم بر سر صدور تروریسم و بحران عقب نشینی نخواهد کرد. امضاء توافق نامه صلح بین ساف و اسرائیل در جمله مواردیست که رژیم مجبور به اتخاذ موضع مخالف در مقابل آن بود، گرچه این مخالفت به قیمت گرانی برای رژیم تمام خواهد شد.

شورش خاموش

منبع: تامیو آلمان

تاریخ: ۷ ژوئن ۹۳

کوبار اکسید و فقر را گرفته، روشنفکران خواهان رفرف هستند. در حکومت پلیسی فیدل کاسترو آنها به این دلیل تحت کنترل و تعقیب قرار گرفته و شکنجه میشوند. بیش از صد هزار برادر زندانیهای جزیره محبوس هستند. برای آخربار صبح روز ۱۰ دسامبر او را بردند. چند نفر باقیایفاهای عوس، سی سیم تاکی و اکی در جیب و اسلحه زیر کت، مدتی جلوی خانه پرتو زده و خاموش و ظاهرا بی حوصله کمین گذاشتند. رهگذاران به شتاب از کنارشان میگذشتند، همسایهها از آنان فاصله می گرفتند. همه وانمود می کردند که چیزی ندیده اند. روزی "بودگا" جایی که معمولا مردم از صبح زود تا دیرگاه برای برنج و سیب زمینی ازدحام می کنند، هیچ صفی تشکیل نشده و رانندگان نگاهشان را مستقیم به جلو خیره می کردند.

البارد سانچز در اتاق عقبی سنگر گرفته بود، اما آنها با شکستی در داخل شدند، با مشت و لگد او را زدند. تا زمانی که بیوش شد. او جریان را شرح داده و سعی می کند لشدن کم رنگی بزند. "این که چگونه از خانه بیرون برده شدم یادم نیست، با این وجود این بار خیلی سخت نبود. بعد از ۸ روز دوباره آزاد شدم". البارد سانچز ۴۹ ساله، پرفسور فلسفه و شناخته شده ترین نماینده ایوزیسیون کوبا، طی ۱۱ سال گذشته، ۸ سال در زندان سر برده، سوسیالیست دمکرات و رئیس کمیسیون حقوق بشر و آشتی ملی کوبا، جناح میانه رومنتقدین رژیم را نمایندگی می کند. او برای گذار صلح آمیز به دمکراسی تحت رهبری خود فیدل کاسترو تلاش می کند. دولت به همین دلیل به او مارک جاسوس سنا چسباند که کوبا ماهانه حقوق مردوری دریافت می نماید. در مقابل برای راست های افراطی کوبادر تعدی و بی عنوان دست نشاندگان کاسترو شناخته می شود.

مادور میز غذا خوری در خانه سانچز نشسته ایم. از آشپزخانه قهوه، خاموش روی اجاق گاز روسی آماده می شود. زخمهای او در این فاصله بهبود یافته، فقط چند استخوان هنوز عذاب می دهند. سانچز به ساعتش نگاه می کند. "اکنون آنها می دانند که شما اینجا هستید" تور اطلاعاتی سرویس مخفی کوبا بعنوان یکی از کاملترین انواع خود در دنیا شناخته می شود. جای تعجب نیست، ماورین کوبایی نزد اشتازی (سازمان امنیت المان شرقی) به مدرسه رفته اند. اگر قبلی از دونفر با سانچز ملاقات کنند تجمع سیاسی محسوب می شود و این را حکومت برای او ممنوع کرده است. با زرس دانشی خانه، کنترل رفت و آمد، کتک، درهای شکسته شده، میل های درهم کوبیده، تمام اینها خانواده او را متلاشی کرده. وی تسم کنان می گوید: "مارکوردرا حفظ می کنیم، نه با مورد تفتیش قرار گرفته ایم". یکبار ماورین امنیت امنیتی کتابخانه او را ویران و کتابهای گرانبایی را پاره کردند. "از آن زمان به بعد دیگر پایه آنجسا نمی گذارم".

در سال ۱۸۸۰ همسر سانچز اجازه یافت همسراه دو فرزندش به میامی سفر کند. "خدا حافظی و حشمتانک بود

اما ترور را نمی شد دیگر به بجهار واکرد. زمانی که آنها کوبار اترک کردند او دوباره در زندان بود. هشت سال بعد اجازه یافت خانواده اش را ملاقات کند، برای اولین و آخرین بار. "حکومت تصور می کرد من آنجسا خواهم ماند، اما برگشتم، برای چه؟ من هیچگاه به این فکر نکرده ام که در خارج بمانم. ما بطور مسالمت آمیز و قانونی به نبرد خود ادامه خواهیم داد حتی اگر اختناق شدت بگیرد". سانچز طی این سالها با پانچ زندان آشنا شد. او می گوید: "از زمانی که مواد غذایی جیره بندی شده و زندانیان ناچار به کشیدن گرسنگی شده اند، شرایط سخت تر شده. تقریبا سخت تر از آن تحمل شکنجه ی روانی است. این شکنجه را بویزه در مسورد روشنفکران اعمال می کند". بعنوان مثال پرفسور فلسفه را مدت ها در یک سلول تاریک ایزوله کردند. بدون هر گونه تماس با خارج. سازمان غفویین الملل از ۳ زندانی سیاسی گزارش می دهد که بیش از ۱۷ روز با دستهای کشیده به میله های سلولشان دستبند زده شده بودند. در بیش از صد زندان کوبا، حدود صد هزار زندانی و در میان آنها ۲ تا ۵ هزار مخالف رژیم محبوس هستند. این تعداد یک درصد جمعیت کوبار را بر می گیرد. ۲۰ ماسار یاد شده تخمینی هستند. بر اساس سال ۱۹۸۸ هیچ سازمان حقوق بشری اجازه سفر به کوبار انبافته، حتی یسک تقاضای سازمان ملل سرور شده است.

سانچز افسرده، از ادبیت و آزاری سخن می گوید که در مورد او و سایر اعضای ایوزیسیون اعمال می شود. در این میان او به کنترل دائمی و توقیف خانگی عادت کرده است. بدون دوستان و همسایگانی که از پنجره بطور مخفیانه به او مواد غذایی می رسانند، مدت ها بیست می بایست نفس آخر را کشیده باشد.

چند خیابان اطرف ترنزئرال پیروزی می کنند. روزی در یک کامیون پارک و روی آن علامت رنگ و رو رفته "وکتابل" سرچجات حک شده است. کنار آن دو ماشین "لادا" پارک شده اند. کاپوت جلوسا لایزه شده، سه مرد به موتور مشغولند، بدون ابرار. ماشینها کاملا بوهستند. در شیشه های میله دار خانه شکسته شده. زئرال پرندزیا تانی آنرا زاری می کند. او برای موافقت با مباحثه زمان درازی فکری می کند. در راهرو تصویری از او و کاسترو در حالی که یکدیگر در آغوش گرفته و هردو انبغورم سروچکمه پوشیده اند، آ ویرا است. چکمه ها تنها چیزی است که برای او از زمان ارتش باقی مانده، از زمانی که با ایوزیسیون تماس گرفته. او حیران می گوید: "من عضو ایوزیسیون نیستم" و هنوز از آنچه که بسر او رفته متعجب است. او، دارنده چهار مدال قهرمان انقلاب، دوست و تحسین کننده کاسترو و همه باخاطراین نامه:

"۳ دسامبر ۹۲ هوانا به رفیق فیدل کاسترو

فرمانده ۳۳ سال است که انقلاب ما یک واقعت می باشد. مادر طی این زمان لحظه های بزرگی را تجربه کرده و به این جزیره کوچک جایگاه مهمی در تاریخ بخشیده ایم. فرمانده! شما رهبر خلقی هستید که این شاهکار را پدید آورده، به این دلیل من به شما رومی آورم، با این نگرانی که آنچه که ما ساخته ایم بویزه از نظر اخلاقی نه تنها در خطا است بلکه می تواند کاملا نابود شود. اگر می خواهیم کوبار انجات دهیم، می بایست با شرایط اقتصادی کنونی بطور عینی برخورد کنیم،

بدون دمگ، شرایط انعطاف پذیرتری را بیایم. مهمترین نقطه ثقل در این میان یک گفتگوی ملی و کشایش اقتصادی است. گذشته شما و اتوریتتان از شما مناسب ترین فرد برای اجرای این دگرگونیهای الزامی بر طبق یک روش حتی المقدور غیر رویایی ساخته است. در این سرزمین مردم همیشه از امر انقلاب حمایت کرده اند. نیروی اخلاقی ای که با من بعنوان سرباز همراه بوده و اندیشه به خوزه مارتی که به ما آموزش داده انسانی که جرئت نکند حقیقت را بگوید، یک انسان صادق نیست، مرا به این خواهش محترمانه اماد رعین حصال مصمم و ادا شد که از شما بخوایم راجع به نظرات من فکر کنید. با یقین به پیروزیمان الوارو پرندز"

زمانی که کوبا هنوز تحت حاکمیت گوش بفرمان امریکا، دیکتاتور با بیست و نوار داشت، پرندز جوان به نیروی هوایی امریکا فرستاده و بعنوان خلبان هواپیمای جنگی آموزش دید. پس از بازگشتش با وکیل ریش سفید کاسترو آشنا شد، کسی که مردم کوبار با سخنرانی های برانگیزاننده اش محسوس می کرد. پرندز به گروه مقاومت کاسترو ملحق شد. وظیفه او برپایی یک قیام در داخل نیروی هوایی بود. در ۵ سپتامبر ۱۹۷۵ ساکنین شهر ساحلی "سین فوگوس" دست به شورش زدند. پرندز از مرکز فرماندهی دیکتاتور فرمان بماران شهر را دریافت کرد. "من بمباران روی دربار ریختم". یک دادگاه نظامی او را به این دلیل به مرگ محکوم کرد. اما پیش از اعدام شورشیان کشور را به تسخیر خودر آوردند. پرندز آزاد و بعنوان قهرمان انقلاب معرفی شد. او شهرت خود را با پیروزی بر هجوم امریکا در خلیج خوکها و در نبرد با مخالفین انقلاب در قلب جزیره افزایش داد. او یسک اسکا دران هواپیمای شکاری راه سوی یمن هدایت کرد و پس از بازگشت مسئولیت بخش روابط بین المللی نیروهای مسلح را بعهده گرفت. خاطرات او که توسط دولت انتشار یافته بالغ بر چهار جلد می شود.

عمر قهرمانان سپری شده. اکنون زئرال شعر می نویسد و با بیابانها تنگ می سازد. تفریح شنیدن موزیک را نیز زمانی که ضبط صورتش را شکستند او را دیده کردند. پرندز به صدلی تکیه می دهد. او میان پارگی چرم قرمز مصنوعی تکه های ابر بیرون می آید. سیگارش تمام شده. در خانه بزرگ تنهایی به او بیشتر فشار می آورد، گاهی اوقات هم ترس. او سعی می کند بر اینها با نظم سربازی غلبه کند. با لایحه اینرا فر گرفته است. صبح دوش سرد می گیرد، کاراته تمرین می کند. ۱۶ بار ضام می رود. پرندز اولین فرد عالی رتبه ی نظامی نیست که کاسترو را علنا مورد انتقاد قرار می دهد. زئرال "رافائل دل پینو" و سرهنگ "لرنزو" به ایوزیسیون ضد کاسترو در خارج ملحق شده اند. اما او خود را در یک جبهه با آنها نمی بیند. او آنچنان در مورد افکارش اطمینان می دهد گوش به کلیسای کاتولیک اظهار ایمان می کند: "من هنوز به انقلاب ایمان دارم، من به فیدل ایمان دارم. به مشخصیت من نمی خواستم با نام امام به هیچکس توهین کنم. امیدوارم او بفهمد که من قصد توطئه نداشتم. من فقط از او می خواهم که فکر کند، او انسان روشنفکری است. ما اغلب با هم گفتگو می کردیم، راجع به کار، سیاست، راجع به همه چیز. با فیدلی که من می شناختم می شد در باره



همه چیز صحبت کرد" فیدل امروز برای او غریبه است. بعنوان پاسخ نامه‌ی او، گروه ویژه مخوفی که از سال ۱۹۹۱ کوچکترین نشانه اعتراض یابینیه علیه دولت را در نطفه خفه کرده است را ارسال کرد. "ناگهان خانه توسط رفقای وزارت کشور محاصره شد. آنها هر کسی را که می‌خواست با من ملاقات کند دستگیر کردند." ده روز تمام کسی اجازه ورود و خروج نداشت. ژنرال ویسر یازده ساله‌ش از برنجی که روی آن مقداری شکسبر می‌ریختند، تغذیه می‌موند. پلیس سیاسی مدالهایش را که در کتابخانه نگهداری می‌کرد ضبط نمود. او به عنوان "مدانقلاب" در جبهه‌های نظامی اش و هرگونه حق بازنشنگی اش را هم از دست داد. "او این خانه که ۲۶ سال است در آن زندگی می‌کنم را هم می‌خواهند از من بگیرند." پرنز اکتون با کمک برخی از دوستانش و همسر جدا شده‌اش که گاهی اوقات چندپز و سبزی را می‌فرستد، زندگی می‌کند. "انگريتا" يك زن سیاه‌پوست که برای او آشپزی و شست و شومی‌کند، وحشت زده اورا ترك و سپس ناگهان بازگشت. او اکنون طبق معمول - گویی که مسئله‌ای اتفاق نیفتاده - کار می‌کند. پرنز حدس می‌زند چرا، او پلیس سیاسی را در جریان امپور

می‌گذارد. هرکس می‌تواند خیرچین باشد. راننده تاکسی همسایه، گارسون، همه علیه هم در جامعه‌ی کوبا يك بدبینی عمیق ریشه گرفته. "کویدا" مواظب باش، زبانت را نگهدار، به من پس از چند روز پس از ورودم به هاوانا گفته شد. در این میان مانند هرکس دیگری در اینجا یادگرفتم صدایم را پایین بیاورم تا طرفهای گفتگویم را بختر نیاندازم. ما پچ هم در اینجا استراق سمع می‌شود. پس از دو هفته "آنها" دقیقاً می‌دانند چه کسی با من رفت و آمد دارد، حتی راجع به چه چیز صحبت می‌شود، دقیقاً از روزی که چند نفر از شرکت برق کنتور را در محل اقامت کنترل کردند، با دقت در ارایش سرشان بستند و میکروفون کار گذاشتند. آنها همیشه حاضر هستند. بعنوان مثال "رائول" که دولت اورا بسدودن تقاضای من امرانه همراه من ساخت. بر طبق توجیه رسمی او می‌بایست طرفهای مباحثه پیدا کند، شماره تلفن گیر بیاورد، اقامت مرا تمدید کند، اما يك روز صبح "رائول" همیشه آماده به کمک، قیافه عیوسی به خود گرفت، بدون صحبت قلبی گفت: "شما با مخالفین ملاقات کرده‌اید." من می‌دانم که این يك اخطار بسدودن دستگاه کار می‌کند. همچنین در خلال ملاقات با پرنز حدس می‌خواستم تاکسی صدایم را تلفن ژنرال کار نمی‌کرد. پیاده به سمت هتل راه افتادم. در هتل خیابان بعدی

يك تاکسی گوئی از آسمان نازل شد. مودبانه چسبید. خیابان همراهش رفت. خیابان پنجم مملو از دختران ملیس به مینی، شلوارهای چسبان، تی شرت های سبز است. کاسترو آنها را "جینه تراز" می‌نامد تا بدین وسیله از بکارگیری کلمه ناهنجار فاحشه اجتناب کرده باشد. کار همان کار است، برای يك شلوار چین آنها به اتاق توریستهای خارجی می‌روند. بازار سیاه بطرز بسی سابقه‌ای رونق دارد. زیر میز همه چیز برای فروش وجود دارد، با قیمت های وحشتناک با در معاوضه. يك زنجیر چرخ در مقابل ۳۰ گرم گوشت خوک، يك قطعه صابون با چند مانگو، روند. روزانه در سوپالیسم کوبایی، جایی که هیچ چیز عملی نیست اما همه چیز ممکن است. حیره بندی کلیه مواد غذایی و وسایل مصرفی شرایط کپکاه غیر قابل توصیفی را بوجود آورده. آبجو، روم یا گوشت چرخ کرده تنها برای مناسبت های ویژه داده می‌شوند. مثلاً برای يك عروسی، کوبایی هایی هستند که فقط به این دلیل ازدواج می‌کنند. جدایی پس از آن ارزان است و ۸۰ هزار ورج بر می‌دارد. کمتر از دود را مطابق نرخ سازار سیاه.

"یا ترسیا ۲۸ ساله می‌گوید: "مردم اکنون بیشتر از مشکلات روزانه بر فروخته می‌شوند تا سیاست." او

صدمین شماره نبرد خلق

از صفحه ۱

می‌رود، نبرد خلق به باری دوستان و رفقای که در انتشار آن تلاش نمودند و خوانندگان مبارزی که با تشویق های ممتد و کمک های بسیاری ما یاری رساندند، همچنان استوار و پابرجا به افشا، رژیم آخوندها و حمایت از جنبش مقاومت مردم ایران ادامه خواهد داد. ما همچنان به باری رفقا، دوستان و خوانندگان نبرد خلق و انتقادات سازنده آنان احتیاج داریم.

مروری بر نودونه شماره قلبی نبرد خلق، نشناس می‌دهد که این نشریه سیاستهای رژیم و لایت فقیه را در زمینه‌های مختلف افشا، نموده است. افشامرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی که به اشکال مختلف ادامه داشته است، افشاء سیاست توسعه طلبانه و بسدودن ارتجاع و بنیادگرایی اسلامی توسط این رژیم، افشاء، توطئه‌های ننگین رژیم در منطقه و ... مواردی بوده که نبرد خلق پیگیرانه آنرا افشاء کرده است. در سال گذشته این نشریه با دفاع از دست آوردهای فرهنگی مردم سیاست ارتجاعی رژیم در قبائل مسائل فرهنگی که تحت عنوان " امریه معروف و نهی از منکر" توسط آخوند خامنه‌ای اعلام شد را پیگیرانه افشاء نمود. جنبه‌های این تهاجم ارتجاعی علیه دست آوردهای مردم بویژه در مورد زنان و جوانان را برجسته تر نشان داد. با انعکاس نامه‌هایی که از داخل کشور دریافت می‌کردیم، خوانندگان نشریه را با فضای داخل کشور و روانشناسی حاکم بر مردم آشنا نمودیم. ما همچنان خواستار آنیم که خوانندگان نبرد خلق هرگونه نامه، سند، خبر و مقاله‌ای که این جنبه از مقاومت مردم را نشان دهد برای ما ارسال نمایند.

طی نودونه شماره نبرد خلق، ما سیاست بسدودن

نبرد خلق طی شماره های گذشته خود، بجر موارد بالا که از اصلی ترین وظایف آن بوده، در مورد رویدادهای منطقه و جهان، با مقالات مختلف خوانندگان خود را در جریان این رویدادها قرار داده است. در این رابطه ما خوشحالیم که در چاپ مقالات دچار کسوتگری نشده و با چاپ مقالات با مضامین و جهت گیری های مختلف در رابطه با اینگونه مسائل، اطلاعات خوانندگان خود را هرچه بیشتر افزایش داده‌ایم. آنچه در این رابطه برای ما مهم بوده، درک بیشتر و عمیق تر رویدادهای مهمی بوده که در سطح جهانی و منطقه‌ای اتفاق افتاده است. ما از تحلیل های شتاب زده در این رابطه قائله گرفته‌ایم و انتشار هرچه بیشتر اطلاعات در مورد این رویدادها را با سود دریافت حقیقت تشخیص داده و بدان عمل کردیم. در رابطه با تحولات منطقه‌ای و بین المللی از آنجاکه مقاومت ایران و ما بعنوان جری از آن اعتقاد داریم که بنیادگرایی اسلامی تهدید عمده برای صلح و پیشرفت و ترقی است، جنبه‌های مختلف این پدیده که از طرف رژیم حاکم بر میهن ما هدایت می‌شود را مورد توجه قرار داده و مقالات متعددی در این زمینه منتشر کرده‌ایم.

در پایان این راهم اضافه کنیم که کار نبرد خلق مسلماً بدون نقض نبوده و نباید به آنچه انجام شده بمتأسسه بهترین کارگریسته شود. در این رابطه همچنان در انتظار نظرات و انتقادات خوانندگان نبرد خلق هستیم. بعنوان مسئول نشریه نبرد خلق، از تمامی کسانی که در انتشار این نشریه ما را یاری می‌دهند، و از خوانندگانی که برای ما خبر، مقاله، ترجمه و سند ارسال می‌کنند تشکر کرده و دست همگی آنها را می‌فشارم و برای همگی پیروزی آرزو می‌کنم.

زینت میرهاشمی
مسئول نبرد خلق

ترورسیم رژیم خمینی را افشاء نمودیم. در سال گذشته، پس از ترور شهید عالیقدر مقاومت ایران رفیق محمد حسین نقدی توسط تروریستهای رژیم، ما مبادرت به چاپ لیستی از اقدامات تروریستی رژیم در خارج از کشور نمودیم. این لیست گرچه نمیتوان آنرا لیستی کامل و بدون نقص دانست، اما مسلمانان و لیست لیستی است که به زبان فارسی در مورد اقدامات وحشیانه رژیم، انتشار یافته است.

نبرد خلق طی شماره‌های قبل خود، به انعکاس تلاش هایی که نیروهای مقاومت در سطح بین المللی انجام داده‌اند، مبادرت ورزیده است. رژیم خمینی بارها در مجامع مختلف بین المللی محکوم و ساستهای آن مورد سوال قرار گرفته است. نبرد خلق اصلی ترین و مهم ترین این محکومیتها را به اطلاع خوانندگان خود رسانده است. همچنین اقداماتی که مجامع و نهادهای بین المللی در حمایت از مقاومت ایران صورت داده‌اند را منتشر نموده است.

نبرد خلق طی تمام شماره‌های خود، پیگیرانه از مبارزه مسلحانه انقلابی دفاع نموده است. اخبار عملیات مقاومت را منتشر کرده است. با چاپ اطلاعیه‌های مقاومت، خوانندگان خود را در جریان اصلی ترین رویدادهای مقاومت قرار داده و نیز دشمنی هایی که از سوی جریانات اپورتونیست و فرصت طلب با این مقاومت صورت می‌گیرد را افشاء نموده است. ما همواره نشان داده‌ایم که آشخوار این دشمنی ها و لجن پراکنی ها بخصوص هنگامی که از طرف محافل و جریاناتی بطور منته‌صورت می‌گیرد، نزدیکی و اتحاد عملی این محافل و جریانات با رژیم جمهوری اسلامی و دستمندیهای درونی آنست. ما کار را نشان دادیم که این نیروها با اینگونه دشمنی ها، عملاً رژیم سرکوبگر و ارتجاعی حاکم را تقویت کرده و علیه منافع و مصالح عالی مردم اقدام می‌کنند.



استقبال و تبریکات آقای رجوی به مناسبت توافق واشنگتن

آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران، از پیشرفت پیرویه صلح و توافق حاصله در واشنگتن استقبال کرد و آن را مهمترین تحول در تاریخ معاصر خاورمیانه توصیف نمود و آن را به مردم و سازمان آزادیبخش فلسطین و آقای عرفات تبریک گفت.

آقای رجوی، پوزیدنت کلینتون و همچنین مردم و دولت اسرائیل را بخاطر پیشرفت در پیرویه صلح و شناسایی حقوق ملی مردم فلسطین شایان تهنیت دانست و با آرزوی دستیابی هر چه سریعتر به صلح جامع و پایدار، بقایای خمینی و دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران را بعنوان اصلی ترین عامل تشنج و دشمنان صلح و همزیستی در این منطقه از جهان، زیانکاران در جنبه اول توافق واشنگتن خواند.

دفترخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس
۱۲ سپتامبر ۱۹۹۳ (۲۲ شهریور ۱۳۷۲)

که گوشت نخورده اند ماهی در هر حال از "پمپه" بهتر است که با کوپن می شود گرفت و از کمی گوشت چرخ کرده روی سویای پهن شده تشکیل گرفته است. بسیاری از کوبا شیپاتلاش می کنند با لاستیک انومیل. چند شیشه آب بعنوان ذخیره به فلوریدا فرار کنند. اغلب آنها غرق شده، از تشنگی هلاک می شود یا طعمه کوسه ها می گردند.

یک کارشناس اقتصادی به من گفت: "من فکر نمی کنم دولت بیش از دو سال در قدرت باقی بماند. به دلایل اقتصادی، هم اکنون نیمی از صنعت بدلیل کمبود مواد اولیه خوابیده است، در حالیکه مادرخلال سالیهای ۹۸۱ تا ۹۸۶ سالانه ۵۵۰ میلیون دلار درآمد داشتیم.

بیشتر از تمام درآمد ماریکای لاسر در مجموع، و اکنون امروز در حال خیزترین جزیره کارائیب حتی شکر هم چیر میندی شده.

با وجود اینکه کوبا شیپاتلاش ها مردم ملا می هستند، مرتب می دیدیم که چگونه بی هیچ دلیلی به همدگر می پریدند. روبروی پیتر افروشی بغل خیابان یک کتک کاری پرسر و صداجریان دارد زیرا یک نفر در صف جلورده، تعجبی ندارد برای یک تکه خمیر نیمه گرم چرم ماند. مسعود می گذارد زیرا پایشان علف سبز شود. گاه تا ساعت در صف می ایستند، برای رفتن از یک طرف شهر به سمت دیگر آن با اتوبوس باید روی یک نصف روز حساب کرد. در حالی که اکثریت کوبا شیپاتلاش ها غرولند می کنند. هنرمندانی چون "ماربا النا کروزارا" بطور علنی فریاد می زنند. از نوامبر ۱۹۹۱ این نویسنده بخاطر "تشکیل جمعیت غیر قانونی"، "چاپ بدون اجازه مطبوعات" و "اختراع" در زندان بسر می برد. پس از آخرین مباحثه ما شنیم را با لاستیکهای پاره شده و پنجره های شکسته جلوی خانه یک مخالف پیدا کردیم. خشمگین از میان قلب هاوانا، زمانی زیباترین شهر قدیمی امریکای لاتین می گذرم. این شهر سرسبز و ایران می شود. هر چند هفته یک تکه گچکاری، بالکن یا تراس فرو می ریزد و چند نفر را مدفون می کند. یک هفته قبل، این حادثه برای یسک خانواده سیخ نفری اتفاق افتاد. محل سکونت آنها مثل یک خانه مقوایی در هم فروریخت.

معلم مدرسه ابتدایی ست مابا و که یک تی شرت بسا دکولته عمیق پوشیده و عینک آفتابی مدروزی به چشم زده، در هتل آشنا شدیم. زمانی که از عکاس ما "هارولد" هرتا "سوال کرد که آیا او را به آجود دعوت می کند. در مقابل "من به اتفاق می آیم". این رایج ترین شیوه مبارزه با دولت است. هر کس نگاه می کند که کجاست، با کلک راهش را باز می کند و می گذارد ریش سفید (کاسترو) با سخنان خشنش درباره "مارگرد یا سوسالیم" شعسار بدهد. یا ترسیسالبته می ترسد زیرا می داند که می تواند برایش دردسرا ایجاد شود. در درب ورودی هتل امروز برای چهارمین بار از طرف اینفورم پوشهایی کنترل شد که بوسیله بی سیم مشخصاتش را می فرستادند. اما او با این وجود عملش را تکرار می کند. نیروی حفظ خود قوی تر است.

"احتمالا کشور ماباهوش ترین و در عین حال ارزان ترین روسپی های دنیا را دارد" اینرا "رونالدو روکوئه مالریه" پرفسور فیزیک و ریاضی با شهرت بین المللی می گوید که اکنون سیکار است. بیش از دوده این دانشمند به تحقیقات در مورد "ژئولیت" اشتغال داشت. اختراعات او کوپارادر سطح جهانی به بزرگترین تولیدکننده مواد معدنی تبدیل نمود. او می گویند: بسیاری از هشتاد میلیون گریه فرانسوی در پودر گریه ای ادرا می کنند که بر مبنای اختراع من ساخته شده زیرا ژئولیت بورا از میان می برد. روکوئه، مولف ۴ کتاب و مقالات متعدد در نشریات تخصصی بین المللی. به من بسته دعوت نامه و بلیط های هواپیمایی را نشان می دهد که او هرگز نتوانسته استفاده کند، ونزوئلا، آلمان، امریکا، جکسلواکی، سال ۱۹۸۷ اکاسترو توجیش به این محقق جلب شد. روکوئه احساس افتخار می کرد. لحظه ای را در حال آمدن می دید که "با لازه می توانستیم ایسده هایمان را به تحقق برسانیم". بجای اینها از او خواسته شد به عضویت حزب کمونیست در بیاید و آن به بعد فقط کاسترو می تواند تصمیم بگیرد که او چه می باید بکند. روکوئه مخالفت کرد "این کار بهای نیمی از عمر من تمام شده من این را نه گفتم".

این پایان کار او به عنوان دانشمند بود. روکوئه می گوید: "من برکنار شدم" به دعوت نامه ای یک کنفرانس بین المللی در امریکا دیگر اجازه نیافت پاسخ دهد. روکوئه تلاش کرد در انستیتوی محل کارش اعتراض کند اما به اتاق مسئول راه نیافت. "یک نگاهان مرا محکم گرفت. من گفتم که در برابر مطبوعات بین المللی یک افتتاحیه براه خواهم انداخت. سپس او اجازه داد که بروم. بیرون او یک ماشین را متوقف و او نمود کرد که حمله قلبی گرفته." اینگونه توانست فرار کند. نمی دانم دیگر چه اتفاقی ممکن بود بیافتد. "از آن پس او در خانه اش در کنار باغ وحش ستر گرفت. خودش را در کتابها مدفون کرده است. در خارج چشم اندازهای درجه یکی به او چشمک می زند." در اینجاست که کار فرامدولت است و او مرا اخراج نموده."

از کنار خیابان ساحلی مالکن به خانه می روم. در دریا تعدادی جوان روی لاستیکهای کامیون نشسته و تسلاش می کنند ماهی بگیرند. اغلب آنها بیش از یکسال است

پیام به حزب احیاء کمونیستی ایتالیا و پاسخ آن

حزب احیاء کمونیستی
رفیق لوجانویتیناری

پاریس ۲۳ ژوئیه ۹۳

ما از تلاش های شما در حمایت از مقاومت ایران و افشا عوامل تروریست و رفیق حسین نقدی سپاسگزاریم. ما همواره از تلاش کمونیست های ایتالیا برای دفاع از دموکراسی و عدالت در ایران، بعنوان یک اقدام مهم سپاسگزار بوده ایم.

سازمان ما مینابه یک سازمان مارکسیست بلنینیست که تئوری های خود را از شرایط مشخص ایران استخراج می کند در طول حیات بیست و یکساله خود با فرازونشیب های مختلف روبرو بوده است. مادر مرز بندی یا نظرات راستو "چپ" به این نکته عمیقاً اعتقاد داشته و داریم که باید مستقل، دمکرات، انقلابی و عدالت طلب بود. از همین زاویه ما مبارزه برای سرنگونی دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران و استقرار صلح و آزادی و دموکراسی را وظیفه اصلی این مرحله خود اعلام کرده ایم. از همین زاویه به شورای ملی مقاومت ایران پیوسته و به تلاشهایمان برای ایجاد ایرانی آزاد، مستقل، آسود و دمکراتیک در چارچوب این شورا ادامه می دهیم. ما از اینکه می توانیم دوستانی مثل شما داشته باشیم خوشحالیم و بر پیوندهای خود تاکید می کنیم.

با احترام

مهدی سامع

سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

رم ۵ اوت ۹۳

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آقای مهدی سامع عزیز:

پیام ۲۳ ژوئیه ۹۳ شما در دریافت کردم. من از قضاوت مثبت شما در مورد فعالیت های حزب ما تشکر می کنم. من حمایت بدون قید و شرط خودمان را از مقاومت ایران و شورای ملی مقاومت تأیید و تصدیق می کنم. ما بر این باوریم که با شکست همه جانبه رژیم حاکم، تنهارا ایجاد مکان برای استقرار یک حکومت واقعا آزاد، مستقل و دمکراتیک است. مبارزه عادلانه و مهم نیروهای مقاومت امروز بیش از هر موقع دیگری به پشتیبانی تمام دمکراتهای ایتالیا احتیاج دارد.

کمونیست های ایتالیا در ارتباط ویژه در رویدادهای ایران، حمایت خودشان را از مقاومت کشور شما اعلام می دارند و برای این خواستار پیشرفت همکاری با همه نیروهای شورای ملی مقاومت می باشند.

در این چارچوب اطمینان داریم که همکاری و مناسبات دوستانه بین ما سودمند خواهد بود. با سلام های گرم و صمیمانه لوجانویتیناری - مسئول سیاست خارجی

اخبار و رویدادها....

عملیات تروریستی برون مرزی رژیم

تروریست هاومردوران جنایتکار رژیم آخوندی دست به جنایتی دیگر زدند. خبرگزاری هاگزارش دادند که روز ۶ شهریور امسال بهرام آزادفرد دست تروریست ها در ترکیه ترورشده. شاهدحینی نماینده حزب دمکرات کردستان ایران (کنگره قاسطو) درمباحثه بارادیو فرانسه درهمین روزگفت: "مطمئنم ترور آزادفرد دست عوامل ایرانی بوده است" وی همچنین خبربروده شدن محمدقادرى. رادرروز ۴ شهریور امسال اعلام نمود.

سرانجام روز ۱۳ شهریور، جسدمثلثه شده محمدقادرى درحالی که انگشتانش را قطع و ناخن های او را کشیده بودند، در اطراف محل زندگی وی پیدا می شود.

همچنین رادیوی این حزب در تاریخ ۲۴ شهریور امسال اعلام می کند که: "۱۹ شهریور ماه ملامحمد درویشی درحیاط منزل خود درروستای دلزبان ازتواسع شهرک دیاندرکردستان عراق، هدف تیغراندازی تروریست های جمهوری اسلامی قرارگرفته و به شهادت رسید."

رژیم آخوندی اخباربه تحركات خوددرترکیه و عراق افروده است. بسیاری ازیناهندگان رادرترکیه تحت تعقیب قرارمی دهد. عوامل جاسوسی خودرا به میان آنان می فرستد و بالاخره این چندمین باراست که در ترکیه مباردت به آدم ربایی ودرکردستان عراق به ترور ایرانیان می نماید. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران تروربهرام آزادفرد، محمدقادرى و ملااحمد درویشی را شدیداً محکوم نموده و شهادت آنان را به خانواده و دوستان آنان تسلیم می گوید.



برخی از رویدادهای تاریخی

مهرماه

داخلی:

۲۸ مهر ۱۲۴۸ - تولدستارخان، سردار ملی جنبش مشروطیت ایران
 ۲۴ مهر ۱۲۸۷ - تشکیل نخستین گروه سوسیال دمکرات در تبریز
 ۹ مهر ۱۳۰۰ - شهادت حیدرخان عمواوغلی از رهبران برجسته حزب کمونیست ایران
 ۱۱ مهر ۱۳۰۰ - شهادت کلنل محمد تقی خان پسیان
 ۲۴ مهر ۱۳۱۸ - شهادت فرخی یزدی، شاعر انقلابی و مردمی تاریخ معاصر ایران
 ۱۰ مهر ۱۳۲۰ - اعلام موجودیت حزب توده ایران
 ۲۴ مهر ۱۳۲۰ - تصویب قانون عقوعمومی زندانبانان ساسی در مجلس دوازدهم
 ۱۳ مهر ۱۳۲۶ - امضای قراردادهای نظامی بین دولت شاه و آمریکا برای افزایش نفوذ امپریالیسم آمریکا در ارتش شاه
 ۲۲ مهر ۱۳۲۸ - تشکیل جبهه ملی توسط دکتر محمد مصدق
 ۲۴ مهر ۱۳۳۱ - قطع مناسبات سیاسی بین دولت ایران و انگلیس توسط دکتر مصدق
 ۲۹ مهر ۱۳۳۲ - رحمت یافتن موافقت نامه ساعسد در قفس که به موجب آن زندان مری برای "تجدید سازمان" در اختیار افسران آمریکایی قرار گرفت.
 ۱۶ مهر ۱۳۳۲ - انجام اولین تظاهرات مردمی بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
 ۲ مهر ۱۳۳۲ - امضاء قراردادهای جدید رژیم شاه با دولت آمریکا برای ورود هرچه بیشتر کالاهای آمریکایی به ایران و معافیت واردکنندگان از حقوق گمرکی
 ۲۷ مهر ۱۳۳۲ - تیرباران نخستین گروه از افسران مبارز وابسته به حزب توده

در صفحه ۴



دریابرتنهایی ایستند
 خانه را روشن می کنند
 و می میرند

شهادت فدایی

مهرماه

رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمد علی سالمی - سید نوزادی - حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلال نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سمیعی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - ژیلای سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - رها بیدشهری - مصطفی رسولی - مهربوش ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سیداحمد لاری - کرامت قبادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بریری - علیرضا صفری - فریبا شفیعی - ابراهیم شفیعی - علی حسن پور - محمد کسر نرانی - غلامحسین وندزاد - مهدی خانزاده - عبدالله یزدانی - علی محمد نژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شهور شفیعی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن سعید - حسن جان لنگسوری - کامران علوی - فرتید فرجاد - احمد کیانی - از سال ۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای رهایی و سوسیالیسم توسط مردوران رژیم های شاه و خمینی به شهادت رسیدند.



با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز:

سازمان ما برای گسترش مبارز مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیماً به سیت ما برسانید یا به حساب بانکی زیرواریز کرده و رسید آنرا به آدرس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SCCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک

BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک

03760 کد گیشه

00050097851 شماره حساب

MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب

NABARD_E_KHALGH No 100

ORGAN OF THE ORGANIZATION OF IRANIAN PEOPLE'S FEDAIAN GUERRILLAS.

23 sep 93

برای دریافت نبرد خلق و سایر نشرات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید

دانمارک

HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE 118

2200 N
DANMARK

آمریکا

HOVEYAT
P.O BOX 1722
CHANTILLY, VA 22020
U.S.A

فرانسه

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE

آلمان غربی

P.L.K
Nr.039999 D
5000 KOLN 1
W - GERMANY